### فصل دوم پیشینه پژوهش

# مقدمه

یکی از اهداف و وظایف مهم آموزش و پرورش ایجاد زمینه برای رشد همه جانبه فرد و تربیت انسان های سالم،کارآمد و مسئول برای ایفای نقش در زندگی فردی و اجتماعی است یکی از برنامه ها و فعالیت های که در تسهیل فرایند رشد تعلیم و تربیت دانش آموزان نقش مهمی ایفا می کند برنامه را هنمایی و مشاوره است در فرآیند راهنمایی و مشاوره تلاش  می شود تا با در نظر گرفتن نقش هر یک از عوامل و موٌلفه های موثر در تعلیم و تربیت اعم  از بر نامه های درسی، مدیر، معلم، عوامل اجرایی، والدین ، گروه همسالان و سایر عناصر درون و برون از مدرسه و همچنین ویژگی های روانشناختی فردی و گروهی دانش آموزان با به کار گیری روش های علمی و تخصصی و فنون و تکنیک های راهنمایی و مشاوره به دانش آموزان کمک نمود . تا ضمن سازگاری عاطفی و روانی با شرایط و موقعیت های مختلف ، نسبت به اخذ تصمیم و انتخاب مناسب  و برنامه ریزی برای اجرای تصمیم های  خویش اقدام نماید. و در خدمات راهنمایی و مشاوره ضمن شناخت ویژگی های جسمی،ذهنی،روانی،اخلاقی و اجتماعی دانش آموز موانع و مشکلات فرا روی رشد و بالندگی وی نیز شناسایی شده و به فرد کمک می شود. تا بتواند مسیر مناسب را در جهت رشد و تعالی فردی و اجتماعی خویش انتخاب و طی نماید و مشاور به عنوان یک فرد متخصص و هماهنگ کننده این خدمات به عنوان محور ترین عناصر مطرح است. و اساس کار مشاور بر ایجاد رابطه توام با اعتماد با دانش آموز ، اولیاء، مدیر، معلم،  و سایر عوامل موثر در رشد و بالندگی دانش آموز استوار است. لذا فرد مشاور علاوه بر دانش تخصصی باید از ویژگی های شخصیتی نظیر: گرم و صمیمی بودن، علاقمندی به کمک و یاری دیگران ، ثبات روانی و عاطفی،استقلال فکری، تعهد، راز داری ،نظم و انضباط  کاری برخوردار باشد مشاور سعی می کند با جمع آوری اطلاعات فردی و محیطی مرتبط با دانش آموز طی یک برنامه ی منظم خدمات راهنمایی و مشاوره را با اصول و معیار های علمی در ابعاد سازگاری ،عاطفی و روانی، تحصیلی و شغلی ارایه کند در این رابطه خدمات متنوع راهنمایی و مشاوره به صورت فردی و گروهی و اطلاع رسانی به  هنگام در زمینه ی نیازهای دانش آموز به عنوان یک فعالیت پیشگیرانه مورد تاکید است. و در نظام جدید آموزش متوسطه ملاک های زیر در هدایت تحصیلی دانش  آموزان دخالت داده می شوند:

1) شاخص پیشرفت تحصیلی در دروس خاص سال اول دوره متوسطه .

2) شاخص پیشرفت تحصیلی در دروس خاص دوره سه ساله راهنمایی.

3)استعداد تحصیلی اختصاصی( برآورد شده توسط دبیران دروس خاص)

4) هوش یا استعداد عمومی

5) علاقمندی به رشته تحصیلی (رتبه بندی شده توسط دانش آموز)

6) اولویت یا مناسب بودن رشته تحصیلی (رتبه بندی شده توسط اولیاء دانش آموز)

7) رغبت تحصیلی و شغلی

8) نتیجه بررسی های مشاور

تصور برنامه ریزان و مجریان طرح هدایت تحصیلی این است که سهم هر کدام از این عوامل در پیشرفت تحصیلی دانش آموز معنا دار است(www:http،1393)..

# تاریخچه راهنمایی و مشاوره:

مطالعه زندگی اولیه در اعصار گذشته نشان می‌دهد که اکثر تعارضات مربوط به تصمیم‌گیری شغلی که در جامعه امروزی دیده می‌شود وجود نداشت.در تمدن‌های اولیه، فلاسفه، شیوخ یا سایر نمایندگان خدایان و مذاهب نقش مشاوره را بر عهده داشتند و سر چشمه‌های تاریخی مربوط به تکوین قابلیت‌های انسان را می‌توان در جوامع اولیه یونان دید.به این صورت که آنها بر تکامل و تقویت از راه آموزش و پرورش تأکید داشتند. اعتقاد بر این بود که در وجود فرد نیروهایی وجود دارد که قابل بر انگیخته شدن و هدایت به سوی اهدافی است که می‌تواند هم برای فرد و هم برای جامعه مفید باشد. از مشاوران یونان قدیم، افلاطون بیش از هر شخص دیگری به عنوان یکی از اولین کسانی شناخته می‌شود که بینش‌های روان‌شناختی را به صورت یک نظریه منظم سازماندهی کرده است (بهرامی1388؛108).

دومین مشاوره بزرگ تمدن‌های اولیه، ارسطو شاگرد افلاطون بود او به آنچه بعدها تبدیل به رشته روان‌شناسی شد خدمات مهمی نمود. یکی از خدمات عمده او مطالعه مردم در رابطه با محیط و با یکدیگر بود. فیلسوفانی چون لویی و ایوز نیاز به هدایت متناسب با طرز فکر و استعدادهای اشخاص را تشخیص دادند. در قرون وسطی تلاش‌های معطوف به مشاوره به طور فراینده‌ای تحت کنترل کلیسا در آمد. در اوایل قرون وسطی وظیفه ارشاد و هدایت جوانان در اختیار کشیشان قرار گرفت. در آن زمان تعلیم و تربیت عمدتاً تحت اختیار کلیسا بود. اولین کتاب‌هایی که برای کمک به جوانان در انتخاب حرفه مورد استفاد قرار گرفت در قرن هفدهم به چاپ رسید.

هوراس مان[[1]](#footnote-1) مشهورترین قرن 19 آمریکا در دوازدهمین گزارش سالانه خود عباراتی درباره مزایای نظام مدارس گنجانده، مزایایی که برای توسعه برنامه مشاوره و راهنمایی در یک قرن بعد از آن مفید واقع شد.پارسونز[[2]](#footnote-2) در کتاب خود سه عامل لازم برای انتخاب عاقلانه شغل را به این صورت عنوان می‌کند؛

- شناخت روشنی از خود، استعدادها، توانائی‌ها، علایق، آمال، امکانات محدودیت‌ها و سایر عوامل مربوط به خود.

- شناخت شرایط، امکان موفقیت مزایا و محدودیت‌ها، بیمه،امکانات و چشم انداز رشته‌های مختلف شغلی.

- استدلال صحیح در مورد رابطه این دو با یکدیگر.

به نظر راکول و رانتی[[3]](#footnote-3) سایر پیشگامان اولیه نهضت راهنمایی در آمریکا جسی دیویس[[4]](#footnote-4)، آنارید[[5]](#footnote-5)، الی ویور[[6]](#footnote-6) و دیوید هیل[[7]](#footnote-7) بودند خدمات آنها به مشاوره نیز باید مورد توجه قرار گیرد. روش دیویس مبتنی بر خودآموزی و مطالعه مشاغل بود به نظر می‌رسد که بنا به توصیف وی از مشاوره باید دانش آموزان را در زمینه ارزش‌های اخلاقی، سخت کوشی بلندپروازی صداقت و رسیدن به یک خصلت معقول به عنوان سرمایه ورود به دنیای کار راهنمایی و هدایت کرد. آنارید معتقد بود که خدمات راهنمایی برای نظام مدارس شهر سیاتل به عنوان وسیله رسیدن به بهترین دستاورد آموزشی ممکن می‌تواند اهمیت داشته باشد او نیازهای دنیای کار را بر خلاف فلسفه امروز مقدم بر نیازهای فرد می‌دانست. نتیجه این که در برنامه راهنمایی او درباره ارزش فرد بنا به قابلیت اشتغالی که دارد قضاوت می‌شود.ویور یکی از پیشتازان مشاوره موفق به دایر کردن کمیته راهنمایی معلم در کلیه دبیرستان‌های نیویورک شد که کار آن کمک به جوانان برای کشف قابلیت‌های خود و نحوه استفاده از این قابلیت‌ها برای دست یافتن به مناسب ‌ترین شغل بود. (راکول، وراتنی، 1961 به نقل از گیبسون؛ میشل؛ ترجمه ثنایی، 1388:؛ 26 تا 23).

پارسونز را به عنوان پدر نهضت راهنمایی آموزش و پرورش آمریکا می‌شناسند ولی احتمالاً خود او تصور نمی‌کرد که رشد نهضت از چند ده مشاوری که خودش ترتیب کرد به بیش از 000/50 مشاوری برسد که 70 سال بعد فقط در مدارس آمریکا خدمت می‌کنند. در سال 1913 نهضت نوپای راهنمایی از نظر تعداد و تخصص آنقدر رشد کرده بود که زمینه تأسیس انجمن ملی راهنمایی شغلی را فراهم کرد. اصطلاح راهنمایی بیش از 50 سال متدوال بود و به نهضت مشاوره مدارس اطلاق می‌گردید.

# نهضت بهداشت روانی.

شروع نهضت راهنمایی ابتدایی هم در نوشته و هم تلاش‌های ویلیام برنهام [[8]](#footnote-8)در اواسط دهه 1920 و اوایل دهه 1930 می‌باشد.فاوست[[9]](#footnote-9) (1968)به نقل از ثنایی،1388) بر اهمیت نقش معلم در بهداشت روانی کودکان ابتدایی تأکید داشت. و مسئولیت‌های اساسی آنها را بر مشاوره و مطالعه کودک، کمک به والدین و تحلیل کودک بیان می‌داشت. در پایان دهه 1920 پیشروان اولیه راهنمایی به ضرورت خدمات راهنمایی قائل بوده و معتقد بودند که مدرسه نهاد شایسته عرضه این خدمات است و راهنمایی دانش آموزان باید تمام پایه‌های تحصیلی را در بر گیرد. اطلاق مشاوره به عنوان یک فرایند روان شناختی برای اولین بار در سال 1931 در اثر پراکتور، بنه فید ورن بنام راهنمای مشاغل به کار رفت. (هیزولیز، 1986، به نقل از گیبسون؛ میشل؛. ترجمه ثنایی1388؛28).

یکی از پیشگامان جهت گیری تازه که بر مشاوره در محیط مدرسه و غیر مدرسه اثر گذاشت کارل راجرز[[10]](#footnote-10) بود. دو کتاب مهم وی عبارتند از مشاوره و رواندرمانی و درمان مراجع محوری، راجرز در کتاب مشاوره و روان درمانی بر مسئولیت مراجع برای درک مشکل خود و تقویت خود تأکید داشت. نظر راجرز مبنی بر این که مراجع مسئولیت عمده حل مشکل خود را عهده‌دار شود نه این که درمانگر مشکل مراجع را حل کند اولین تناقض جدی در نهضت راهنمایی و مشاوره مدارس را باعث شد. شاید. راجرز بیش از هر شخص دیگری بر طرز تعامل مشاوران آمریکایی با مراجعان اثر گذاشته باشد و شاید بتوان اثر خدمات او به نهضت مشاوره در قرن حاضر را با خدمات هنری فورد به توسعه صنایع اتومبیل سازی تشبیه کرد.

فنگولد [[11]](#footnote-11)پیشگام دیگر در نهضت مشاوره و راهنمایی سال 1947 طی مقاله‌ ای در مجله مرور مدرسه بیان‌ کرد که مشاوره نه فقط باید خدمات راهنمایی را به اشخاص شاخص، بلکه به دانش آموزانی عرضه کند که بدان نیاز دارند،یعنی دانش آموزان گرفتار در تار و پود قواعد و مقررات هستند. ترکسلر[[12]](#footnote-12) در سال 1950 تحولات وگرایشهای رو به ظهور راهنمایی را چنین عنوان کرد:

آموزش کاملتر شاغلین راهنمایی

راهنمایی به عنوان وظیفه کل هیئت آموزشی.

همکاری نزدیک ‌تر با خانواده و مؤسسات اجتماعی.

جمع آوری و ثبت منظم اطلاعات مربوط به فرد.

استفاده از مقیاس‌های عینی.

میل به فنون پیشرفته ارزیابی، ویژگی‌های شخصی دانش آموزان و درمان ناسازگاری‌ها در اختیار گرفتن و استفاده بهتر از اطلاعات شغلی – تحصیلی

محقق دیگر دانوون [[13]](#footnote-13)در مورد عصر جدید راهنمایی می‌گوید: عصری که در آن متخصص آزمون‌ها و مشاور حرفه‌ای وارد صحنه می‌شود تا به کمک علمی به کودک او را در رابطه با معلمان و دروس حساب شده‌ای قرار دهد که استعداد و توانایی‌های او را شکوفا می‌سازد. یکی از مهم‌ ترین قدم‌های نهضت مشاوره و راهنمایی مدارس در دهه 1960 بیانیه خط مشی مشاوران مدارس متوسطه بود که به عنوان یک بیانیه رسمی توسط انجمن آمریکایی مشاوران مدارس تدوین یافت .در دهه 1970 مشاور راهنمایی مدارس وارث یک رشته باورهای کلیشه‌ای بود که باید ارزش و اعتبار آنها مشخص می‌شد. این تصورات کلیشه‌ای به قرار زیر است:

باور کلیشه‌ای مسئولیت: باور والدین بر این بود که مشاور مسئولیت‌های معینی دارد که از جمله عبارتند از پیگیری این که دانش آموز دروس مناسبی را بگیرد، دانشگاه متناسبی انتخاب کند، آزمون‌های استاندارد لازم را بگذارند و غیره.

باور کلیشه‌‎‌ای شکست: باور به این که مشاور مسئول جلوگیری از شکست افراد است. مشاور حایل بینموفقیتو شکست است. مشاور به عنوان پیش بینی کننده نتایجی که تصمیمات را مشخص میکند

و می‌تواند احتمال موفقیت و شکست را ارزیابی کند.

باور کلیشه‌ای انتخاب شغلی: این که مشاور کسی است که می‌تواند به دانش آموز بگوید وارد چه شغلی بشود یعنی کسی است که می‌تواند این تصمیم را یک بار برای همیشه برای اشخاص بگیرد. علاوه بر اینها مشاور کسی است که آزمون‌های گوناگون علایق و استعداد و زمینه‌های اشتغال را در اختیار دارد و اشخاص مرتباً برای کسب مفاد اطلاعات مربوط به صنعت، مشاغل نظامی و پذیرش تحصیلی به او ارجاع داده می‌شود. (گیبسون؛ میشل؛ . ترجمه ثنایی. 1388. 30 و 29).جنگ جهانی اول نه فقط محرک ساختن و استفاده از آزمون‌های روانی گروهی تراز شده بعد از جنگ شد بلکه به تصویب دو قانون منجر شد که در به وجود آوردن یکی از تخصص‌های اولیه مشاوره یعنی مشاوره توان‌بخشی سهم مهمی داشت. یکی قانون توان بخشی شغلی شهروندان و دیگری قانون عمومی 47 در سال 1921 قانون اخیر به ایجاد دایره رزم دیدگان و مزایای بسیاری از جمله استمرار خدمات توان‌بخشی شغلی و مشاوره و راهنمایی برای رزم دیدگان منجر شد.

مشاوره توان‌بخشی اساساً مشاوره روانشناختی به حساب می‌آید که مختص توان‌بخشی اشخاص است که گرفتار مشکلات جسمی. اجتماعی و عاطفی‌اند.شرتزر واستون (1981) بخش‌های برنامه راهنمایی مدارس را چنین بر می‌شمارند: بخش ارزیابی، بخش اطلاعاتی، بخش مشاوره‌ای، بخش مشورتی، بخش مشاهده‌ای، بخش طرح ریزی، جایگزینی و پیگیری و بخش ارزشیابی.

بالاکر و بیگز در بحث خود راجع به مشاوره در محیط‌های اجتماعی اشاره دارند به اینکه روانشناس مشاور درگیر مشاوره فردی و گروهی پیرامون مسائل مربوط به طرح ریزی تحصیلی و شغلی تصمیم گیری و حل مسائل شخصی، مشکلات خانوادگی و دیگر فعالیت‌های مربوط به رشد شخصی، پیشگیری، مشورت و گاه آموزش روانی است. آنها اشاره می‌کنند به اینکه راهبردهای سنجش مراجعان باید به گونه‌ای فراهم و ملکه شود که شناخت افراد در رابطه با محیط طبیعی خود آنها ممکن گردد. بالاخره این که مشاور باید فرایندهای رشد انسان را به گونه‌ای که به کار افراد و سازمان‌های اجتماعی می‌آید درک کند.به طور خلاصه فعالیت‌های مشاوران عبارتند از: سنجش افراد، ارزیابی محیط، مشاوره فردی، مشاوره و راهنمایی گروهی، رشد شغلی و جایگزینی و پیگیری اخیراً مداخلات پیشگیرانه هم مورد توجه قرار گرفته است.

راکول و رانتی معتقدند راهبران نهضت مشاوره و راهنمایی از همان آغاز نهضت تا کنون توجه خود را به ارزش‌ها در تألیفات و اعمال خود ابراز کرده‌اند.دیویس مبلغ ارزش‌های اخلاقی سخت کوشی، بلند پروازی، صداقت و کسب منش صحیح به عنوان سرمایه‌های دنیای کار بود. بعدها کارل راجرز اعتقاد به نیک سیرتی و ارزشمند بودن انسان و توانمندی او برای ترسیم سرنوشت خود را عنوان کرد.گیلبرت رن در کتاب‌های مشاور در دنیای متحول و دنیای مشاور معاصر به بحث از ارزش‌های مشاور و مراجعان او پرداخت. به نظر او تصریح ارزش‌ها وشاید کسب ارزش‌های تازه به صورت یکی از تکالیف عمده فرد در مشاوره وکلا آموزش و پرورش در می‌آید (ثنایی،1388؛ 33-32).

گاستاو[[14]](#footnote-14) معتقد است که مشاوره یک پویش یادگیری است که از طریق رابطه بین دو نفر انجام می‌گیرد. در این رابطه مشاور با داشتن مهارت‌ها و صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای می‌کوشد مراجع را با روش‌های منطبق با نیازمندی هایش یاری کند تا هر چه بیشتر درباره‌ی خود بیاموزد بینشی را که به این طریق نسبت به خویشتن کسب می‌کند در رابطه‌اش با هدف‌های معین واقع بینانه و ادارک شده به طور مؤثری مورد استفاده قرار می‌دهد و در نتیجه فردی سعادتمند و عضوی سازنده برای جامعه بار آید.گیلبرت رن معتقد است که مشاوره رابطه‌ای است پویا که بر اساس مشارکت مشاور و مراجع و با روش‌هایی منطبق بر نیازمندیهای مراجع انجام می‌گیرد. در این رابطه توجه به خود شناسی و خود تصمیم گیری از طرف مراجع مورد تأکید است. اشمیت[[15]](#footnote-15) در مطالعه‌ای تعریف و تصور مشاوران از وظایف خویش را با تصور مدیران از نقش مشاوران مورد مقایسه قرار داد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین نظرات 48 مشاور و 48 مدیر نمونه تحقیق در مورد وظایف مشاوران توافق وجود دارد.هر دو گروه راهنمایی شغلی و تحصیلی و راهنمایی دانش آموزان در مسائل شخصیتی و اجتماعی را از وظایف مشاوران در وضع موجود ایده‌آل ومطلوب توصیف کرده‌اند.بلکهام [[16]](#footnote-16)عنوان می‌کند که مشاوره یک رابطه یاورانه منحصر به فرد است که در آنها به مراجع فرصت یاد گرفتن، احساس کردن، فکر کردن، تجربه کردن و تغییر کردن به طریقی داده می‌شود که به نظر مراجع مناسب اوست.شرترز و استون (1980) مشاوره را یک روند تعاملی که شناخت معنای خود و محیط را تسهیل می‌کند می‌دانند که به ایجاد یا تصریح اهداف و ارزش‌های مربوط به رفتار آینده منجر می‌شود.کاتل [[17]](#footnote-17)و داونی معتقدند: مشاوره روندی است که مشاور از طریق آن به مراجع برای رو به رو شدن، درک کردن و پذیرفتن اطلاعات، مربوط به خود با دیگران کمک می‌کند طوری که او بتواند در دو راهی‌های مختلف زندگی، تصمیمات مؤثری اتخاذ نماید.

به نظر استفلر[[18]](#footnote-18) و گرانت (1972) مشاوره دلالت بر یک رابطه تخصصی بین یک مشاور کار آموخته و یک مراجع دارد این رابطه معمولاً دو نفری است. گر چه گاه ممکن است مستلزم بیش از دو نفر باشد. وهدف از آن کمک به مراجع برای شناخت و تصریح نظر او نسبت به فضای حیاتی خویش است طوری که او بتواند دست به انتخاب ‌های با معنا و آگاهانه در زمینه‌هایی بزند که با طبیعت ذاتی او هماهنگ است و در حیطه‌هایی قرار دارد که برای او امکان انتخاب وجود دارد. این تعریف دلالت می‌کند بر اینکه مشاوره یک روند است یک رابطه است برای کمک به تصمیم گیری و زیربنای تصمیمات بهتر در زمینه‌هایی از قبیل یادگیری، رشد شخصیت است (گیبسون؛ میشل؛. ترجمه ثنایی. 1388،33،34).

# تاریخچه مشاوره و راهنمایی در ایران

برای آشنایی با سیر اندیشه راهنمایی و ارشاد در کشورمان به 3 دوره متمایز تاریخی ایران پیش از اسلام و ایران از صدر اسلام وایران جدید؛ اشاره می‌نماییم.

الف) ایران پیش از اسلام

از نظر ایرانیان باستان هر فرد نخست باید در توانایی تن بکوشد تا به توانایی روان برسد. ورزش‌های گوناگون مانند اسب سواری، تیراندازی چوکان بازی، شنا، زوبین اندازی و شکار به پرورش تن کمک می‌نماید.در امر تربیت: که شامل کودکان طبقات ممتاز و اشراف می‌شد بر عهده والدین و آموزگاران (هیربدان) بود. هیربد خود سرمشق اخلاق و نیک سیرتی بود و با حرکت در رفتار و گفتار خود در کودکان اثر می‌گذاشت.

در تربیت اجتماعی: هدف پرورش عضو خوب برای جامعه بوده است. در کتاب اخلاق ایران باستان یکی از دعاهای والدین چنین بوده است: ای اهورامزدا به من فرزندی عطا کن که با تربیت و دانا شود و در هیئت اجتماع به وظیفه خود رفتار نماید.در تربیت دینی و مذهبی: علاوه بر پیشوایان مذهبی، پدر و مادر مسئولیت تربیت و راهنمایی و ارشاد کودک و جوان را بر عهده داشتند. در پند نامه بزرگمهر آمده است که هر کس باید ثلث شبانه روز را صرف تربیت مذهبی کند واز پارسایان در این باره پرسش‌های معقول نماید. در تربیت اخلاقی کودکان: هدف تربیت اخلاقی، هدایت کودکان و جوانان به پیروی از اندیشه و گفتار و پندار نیک و دوری گزیدن از کردارها و پندارهای ناروا می‌باشد. معلم و والدین کوشش داشتند که راستی را در نهاد کودکان جایگزین سازند.هدایت کودکان به شغل و حرفه: درایران پیش از اسلام وظیفه‌ای پر ارج بوده و در این راه پدران نقش عمده‌ای داشتند کودکان غالباً شغل پدران را دنبال می‌کردند زیرا بر این باور بودند که از او توانایی در فن و حرفه را به ارث برده و سعادت جامعه در پرداختن بدان است .در ایران باستان سه شغل و سه طبقه اجتماعی وجود داشته است، موبدان، سربازان، برزگران که بعدها پیشه‌وران بدان افزوده شده است در اواخر حکومت ساسانیان طبقات مردم از نظر شغل وحرفه به 4 گروه مشخص تقسیم شده بودند. گروه اول شامل موبدان و آموزگاران و وکلای دادگاه‌ها و چهارم طبقه پیشه‌وران شامل برزگران، بازرگانان و کاسبان و دکانداران می‌باشد که رفتن از یک طبقه به طبقه دیگر منوط بر احراز لیاقت و اجازه پادشاه بوده و کسی حق نداشت به میل و اراده خود به گروه دیگری راه یابد. (اردبیلی: 1386، 46-44).

ب) – ایران از صدر اسلام

گرویدن ایرانیان به دین اسلام نه تنها تحولی در کلیه شئون اجتماعی، فرهنگی تربیتی اخلاقی و هنری در کشور ما به وجود آمد بلکه در سراسر کشورهایی که به دست مسلمین گشوده می‌شدند این دگرگونی و تحول پدیدار می‌گردید.به طوری که بعدها به تحولات عینی و عمقی در تمدن گردید وتمدن اسلامی را در بلاد ایران، حجاز، عراق، روم و اندلس به وجود آورد تمدنی که به یک ملت یا کشور تعلق نداشت اما در همه آنها ساری و جاری بود. بر خلاف تعلیم و تربیت دوران پیش از اسلام که فقط مختص فرزندان طبقات ممتاز بود پیغمبر اکرم (ص) کلیه مسلمانان را به تحصیل ترغیب می‌فرمودند و طلب دانش و معرفت را برای همه مسلمانان فریضه می‌دانستند در قرآن مجید کراراً به تحصیل و پژوهش اشاره گردیده است .در سوره آل عمران آیه 159 توصیه شده است: در کارها مشورت کن پس وقتی تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام بده. بدرستی که خداوند متوکلین به او را دوست دارد.

در وصیت حضرت محمد (ص) به حضرت علی (ع) امده است: فقیری از نادانی سخت ‌تر و مالی سودمندتر از خرمندی نیست.هیچ چیز ترسناک ‌تر از خودبینی و هیچ معاضدتی از مشاوره نیکوتر نیست و حضرت علی (ع) در باب نصیحت و پند و مشورت بارها توصیه کرده‌اند که نصیحت باید در خلوت صورت گیرد زیرا نصیحت در ملاء و حضور دیگران سرزنش و ملامت و سرکوفت است (اردبیلی: 1386؛ 69-75).

# تاریخچه راهنمایی تحصیلی در ایران:

سال 1332 را می‌توان شروع راهنمایی به معنی خاص آن در کشور خود بدانیم. در این سال با کمک وزارت کار و سازمان صنایع کشور و هیئت عمران بین‌المللی طرحی برای انتخاب و انتصاب‌های صحیح پی‌ریزی شد. در این مرکز عده‌ای از کارمندان وزارتخانه‌ها خصوصاً وزارت آموزش و پرورش تحت نظر متخصصان ایرانی و خارجی شروع به کارآموزی و فعالیت در زمینه انتخاب و انتصاب‌های علمی نمودند. نشریات و وسایل اندازه‌گیری روانی متعددی در این مرکز تهیه شد و با کمک همین وسایل برنامه‌های بسیاری برای استخدام و پذیرفتن افراد جدید در وزارتخانه‌ها و حتی در ارتش و نیروی هوایی انجام گرفت. کنگره‌های فرهنگی منعقده در تابستان‌های 1337 و 1338 راهنمایی در مدارس را امری ضروری تشخیص داده و فصل سوم از آئین نامه دبیرستان‌ها به امر راهنمایی اختصاص داده شد. در سال‌های اخیر عوامل متعددی موجب شده‌اند که به برنامه‌های راهنمایی در مدارس اهمیت داده شود: ازدیاد مشاغل و حرف، ایجاد شعب تحصیلی و تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای عالی از آن جمله‌اند. (اردبیلی1386،83).

در کنفرانس‌های آموزشی متوسطه در سال 1337 شمسی در مشهد و آبادان تأسیس دوره راهنمایی تحصیلی در آموزش و پرورش به منظور کمک به دانش آموزان جهت انتخاب رشته تحصیلی و اشتغال آینده ضروری تشخیص داده شد لذا مراکز راهنمایی در اداره کل تبلیغات متوسطه به وجود آمد و اجرای آزمون و تشکیل پرونده تحصیلی در چند مدرسه به طور آزمایشی آغاز شد به دنبال آن عده‌ای از کارشناسان جهت تحصیل و تحقیق به خارج از کشور اعزام شدند در سال 1346 که وزارت آموزش و پرورش رسماً از دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاه‌ها و مدارس عالی تقاضای تربیت مشاور تحصیلی را نمود (شفیع آبادی 30،1389).

بنابراین از سال تحصیلی 1345-1344 در دانشگاه تربیت معلم درس راهنمایی جزء دروس رسمی دانشجویان که در واقع معلمان ومربیان و راهنمایان بالقوه کشورند قرار گرفت و بتدریج به ایجاد رشته تحصیلی راهنمایی و کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره منجر شد. در سال 1347 اداره کل آموزش راهنمایی تحصیلی در وزارت آموزش و پرورش تأسیس گردید که بعداً به نام دفتر آموزش راهنمایی تغییر یافت.

در سال 1359 این دفتر منحل و وظایف آن ابتدا در سه دفتر وسپس به یک دفتر با عنوان دفتر آموزش عمومی واگذار شد در سال 1365 وظایف این دفتر نیز به دو نفر با عناوین دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی و دفتر آموزش متوسطه نظری تفکیک گردید که در حال حاضر به همین نحو باقی است.

برنامه راهنمایی و مشاوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی همانند دیگر برنامه‌ها با توجه به اهداف جدید آموزش و پرورش مورد بررسی و تجدید نظر قرار گرفت و ابتدا به تغییر برنامه و سپس به توقف کامل این نظام تصمیم گرفته شد.در تاریخ 31/5/1358 با صدور بخش‌نامه‌ای در وظایف مشاوران تجدید نظر شد و در سال تحصیلی 59-58 نظام مشاور معلم اجرا گردید. در پایان جنگ تحمیلی هشت ساله و از ابتدای سال تحصیلی 67 ضرورت این برنامه و تربیت مشاوران تحصیل کرده مجدداً محسوس و محرز گردید. به طوری که تدریس دروس مشاوره و راهنمایی در اغلب دانشگاه‌ها به ویژه در دانشگاه تربیت معلم و مراکز تربیت معلم استان‌ها مجدداً از توجه خاص برخوردار شد(اردبیلی: 1386؛ 83).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی برنامه راهنمایی با توجه به اهداف جدید مورد بررسی وارزیابی قرار گرفت ونتیجه آن سیستم معلم – مشاور بود که هم به تدریس وهم به مشاوره می پرداختند .پس ازمدتی برای تهیه هدفهای هماهنگ با اهداف انقلاب برنامه راهنمایی ومراکز مشاوره حذف وتحلیل گردید.و به جای آن طرح مربیان پرورشی با عنوان متولیان انقلاب در مدارس طرح ریزی واجرا شد .این طرح به تدریج مسئولان را متوجه نیاز به مشاوره وراهنمایی در مدارس نمود.تا اینکه در سال 1364هسته های مشاوره وراهنمایی مجددادر مناطق آموزش وپروش تاسیس گردید.در حال حاضر برنامه های مشاورهای مدارس به سمت تخصصی شدن وخدمات مشاوره ای سوق داده شده است وطرحهایی چون (طرح احیا نقش مشاوره ای معلمان)در حال اجرا است.

پس از سال‌ها تلاش متخصصان رشته مشاره، انجمن مشاوره ایران در سال 1375 به تأیید کمیسیون انجمن‌های علمی کشور رسید و فعالیت‌ خود را آغاز کرد از جمله اهداف انجمن مشاوره ایران گسترش، پیشبرد وارتقای علم و توسعه کمی و کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه مشاوره و تهیه و تدوین و تلاش برای به تصویب رساندن قوانینی است که مقدم مشاوره، مشاوران و حافظ کلیه مراجعان و کسانی که از خدمات مشاوره‌ای برخوردارند (احمدی، 1387، 11).

# راهنمایی:

مفهوم راهنمایی مانند: تعریف آن خالی از ابهام نیست.برای مثال: گاه ممکن است فرد از طریق خواندن یک کتاب ، یک مقاله و یا دیدن یک فیلم به حل مشکل خویش نائل آید که در این صورت کتاب، مقاله و فیلم نقش راهنمای وی را ایفا می کنند و آنچه که به وی ارائه شده راهنمایی تلقی می شود.زمانی هم راهنمایی صرفا به معنی نصحیت کردن و پند و اندرز دادن است مانند: هنگامی که والدین از راه دلسوزی به فرزندان خود راه نشان می دهند. و برایشان تعیین تکلیف می کنند گاهی هم راهنمایی به معنای پیروی محض فرد از یک سلسله اصول مدون و هماهنگ کردن رفتار با این اصول است مانند: راهنمایی در قالب دین و مذهب که رعایت اصول آن برای بهبود زندگی انسان و هدایت وی ضروری  به حساب می آید. همه موارد فوق می توانند راهنمایی باشند ولی راهنمایی صرفا محدود به یکی از آنها نمی شود آنچه قابل ذ کر است این می باشد که تمام مفاهیم راهنمایی از هر نظر و دید گاهی که بررسی کردند دارای یک هدف کلی هستند و آن کمک به فرد است برای یافتن راه خود و رسیدن به درجات بالاتری از کمال ، معرفت و آگاهی اگر چه استقرار راهنمایی در جامعه عملا پیشرفت موزون و همه جانبه اجتماع را به بهترین وجه فراهم می سازد اما درک سطحی از مفاهیم عمیق و علمی راهنمایی که دامنه آن به تمام فعالیت های روزمره کشانده شده است مشکلات عدیده ای را در سر راه طراحی ، اجرا و ارزشیابی آن به وجود می آورد توجه به نکات زیر می تواند زمینه اعتلای راهنمایی را در جامعه به وجود آورد :

**اول:** آنکه راهنمایی در شرایطی امکان پذیر می باشد که وجود چارچوب خشک مانع به کارگیری آن نشوند. یعنی: تشکیلات قوانین و مقررات مربوط به آن به گونه ای تغییر یابند که نه تنها پذیرش آن را ممکن سازند بلکه ضرورت اجرایی اش را نیز فراهم نمایند.

**دوم:** آنکه براساس داده ها و یافته ها ی علمی جهان کنونی، راهنمایی باید به موقع انجام پذیرد به بیان دیگر ، باید تا آنجا که ممکن باشد یافته های علمی و ابزار های فنی اجازه دهند هر چه سریعتر به امر راهنمایی اقدام کرد زیرا اقدامات دیر رس به منزله اتلاف وقت نیروی انسانی و در نتیجه در حکم زیان و خسران اقتصادی جامعه خواهد بود.

**سوم:**آنکه اگر چه راهنمایی از دیر باز به صورتغیر علمی و عملی و بدون پایه های توجهی به صورت فردی انجام می شده است اما امروزه به عنوان یک فعالیت علمی باید از متخصصان در پیاده کردن آن استفاده کرد. در عصر حاضر،دیگر نمی توان به این صورت و بدون داشتن پایه علمی کافی ، خود را متخصص راهنمایی دانست . بدون شک این عمل می تواند درک مسائل را آسان سازد ، اما نداشتن پایه علمی کاری است که راهنمایی را بدست افراد غیر متخصص دچار تناقضات گوناگون می نماید.

**چهارم:** آنکه جاری ساختن امر راهنمایی در مقیاس ملی ، موجب می شود که افراد آن جامعه ، بهترین موثرترین تلاش های خود را در راه سازندگی اجتماع به کار بندند و پشتوانه پایداری این توانش ها ، رغبت و انگیزه ای است که در آن از خود نشان می دهند بدیهی است که این توانش های انگیخته باید در جهاتی که تحول و گسترش جامعه ضرورت آنها را فراهم آورده باشد به کار افتند.

**پنجم:** آنکه بدون ایجاد طرح های مشخص علمی جامع و اجرای آنها در شرایط صحیح یعنی: داشتن  نیروی انسانی متخصص، تجهیزات، امکانات و وسایل کافی ، نمی توان به نتایج قابل توجهی دست یافت. زیرا اقدامات نا منظم، پیش بینی نشده و جهت نا یافته ، بدون شک به نا هماهنگی و نا موزونی جامعه منجر خواهد شد و بهره ای عاید آن نخواهد کرد(www:http،1393).

درباره مفهوم راهنمایی تعریفی که مورد توافق همگان باشد وجود ندارد و از دید گاه های مختلف تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. آشنایی با چند نمونه آنها ذهن خواننده را روشن تر می کند. راهنمایی که معنی لغوی آن هدایت کردن،و ارشاد نمودن می باشد و مفهوم گسترده دارد. در مفهوم کلی و عام گاهی مطالعه کتاب ها و مقاله ها و یا گوش دادن به یک سخنرانی و خطابه می تواند راهنمایی باشد و به فرد بینش دهد و یا به حل مشکل فرد در زمینه هایی کمک کند . زمانی نصحیت و پندی که در یک ارتباط مطرح می شود ممکن است مشکل گشا باشد و به هدایت فرد منجر گردد هنگامی هم تبعیت از اصول و قوانین خاص میتواند هادی و راهنمای انسان باشد . هریک از موارد فوق اصطلاح راهنمایی را به نحوی توجیه می نماید در عین حال باید بدانیم که تعریف راهنمایی به موارد بالا محدود نمی گردد و از دید گاه های متعدد می توان تعاریف گوناگونی از آن داد که به برخی از آن می پردازیم: اصولا راهنمایی از هر دید گاهی که در نظر گرفته شود به خاطر کمک به فرد برای شناخت خود و نیل به درجات بالاتری از کمال و معرفت اعمال می گردد.

به عقیده شرتزر و استون (1974):راهنمایی جریانی است که فرد را به شناخت محیط پیرامون یاری می دهد. این تعریف گرچه بر شناخت و فهم خویشتن و محیط تاکید می نماید. ولی دقیقا مشخص نمی کند که هدف چیست؟ و از این رو نمی تواند تعریف مورد پذیرش باشد .

مک دانیل (1965 ): معتقد است راهنمایی وسیله ی کمک به فرد در درک و بکار بردن آگاهانه فرصت های تحصیلی و شخصی است که در اختیار دارد یا می تواند داشته باشد و به عنوان کمکی منظم  به همه دانش آموزان برای رسیدن به یک سازگاری رضایت بخش در مدرسه و در زندگی است.

به اعتقاد ترکسلر(1957): راهنمایی فرد را قادر می سازد تا توانایی ها و رغبت ها و شخصیت خویش را بشناسد و در حد امکان در صدد توسعه و رشد آنها برآید و سرانجام با توجه به اهداف اش اداره زندگی خویش را بشناسد.

در این صورت اولاً: معلوم نیست که راهنمایی یک واقعه آنی و یا یک جریان پیوسته و مداوم است .ثانیا: اعتقاد به این که راهنمایی باید فرد را یاری دهد تا براساس اهداف خود به اداره خویش بپردازد. در تمام موارد صحیح و منطقی به نظر نمی رسد .زیرا ممکن است زمانی فرد دارای اهداف خودخواهانه و مضر به حال خود و جامعه باشد. با اعمال دقیق راهنمایی و استفاده از ابزار و فنون به فرد کمک می شود تا توانایی ها و محدودیت هایش را بشناسد و بر اساس چنین شناختی ، تصمیمات مناسب و موافقی در جهت تامین نیازهای فردی و اجتماعی اتخاذ نماید.

ولی از راهنمایی به معنای خاص آن، یعنی: در چارچوب آموزش و پرورش تعاریفی شده است که ما در اینجا دو نمونه از آنها را ذکر می کنیم:

الف)راهنمایی عبارت است از کلیه خدماتی که به بهترین نحو، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را در مدرسه، تسهیل کند و به آنان کمک نماید ،تا توانایی ها، محدودیتها و علایق خود را شناخته و با توجه به نیازهای جامعه، رشته تحصیلی خود را انتخاب کنند.

ب)راهنمایی، کمک و یاری منظمی است به فرد ،تا استعدادهای خود را دریابد ، رفتار و حالات خویش را منظم سازد،قادر به حل مسائل و مشکلاتش گردد. در انتخاب دروس و رشته تحصیلی تصمیم بگیرد. کار و شغل مناسب پیدا کند برای رقابت آزاد و پسندیده تربیت شود،شایستگی و شرایطی را دارا گردد تا بتواند به بهترین وجه، رشد و کمال یابد(www:http،1393).

# فعالیت های راهنمایی تحصیلی

در کل فعالیت های راهنمایی در پنج زمینه صورت می پذیرد:راهنمایی تحصیلی، شغلی و سازشی می تواند به صورت فردی و یا گروهی انجام پذیرد و اگر مسائل و مشکلات نیاز به بحث و بررسی در جلسات گروهی داشته باشد راهنمایی می تواند به صورت گروهی انجام پذیرد. در موارد ی نیز راهنمایی به صورت فردی باید باشد. بنابراین: سه نوع راهنمایی تحصیلی، حرفه ای و سازشی یا به صورت فردی و یا به صورت گروهی میتواند اجرا گردد.

**1- راهنمایی فردی:**

اگر دانش آموزی با وضعیت بحرانی پیچیده ای روبرو و نیازمند طرح، درک و حل مشکل خود باشد و یا در مسائل محرمانه خانوادگی و یا جنسی نیازمند راهنمایی باشد ضرورتا راهنمایی به صورت فردی انجام می پذیرد. در صورتی که از دانش آموز تست های شخصیتی و یا نظیر آن به عمل آمده باشد برای شرح و تجزیه و تحلیل آنها نیز راهنمایی به صورت فردی خواهد بود. در موارد ی که دانش آموز در خود فهمی دچار اشتباهات و یا مشکلاتی باشد و آگاهی او در مورد خویشتن و محیط اجتماعی ناقص و نارسا باشد در توجیه و کمک به دانش آموز روش راهنمایی فردی باید انتخاب شود. (www:http،1393).

**2- راهنمایی گروهی:**

مقرارت مدرسه و آیین نامه ها، اطلاعات شغلی و تحصیلی و اطلاعاتی که مورد نیاز اکثر دانش آموزان می باشد به صورت راهنمایی گروهی برای آنان انجام می گیرد.آگاه ساختن دانش آموزان به امکانات و عوامل محیطی و اجتماعی در جلسات برای آنان فراهم می آید. این نوع راهنمایی در وقت و هزینه ها با صرفه خواهد بود و کلیه دانش آموزان از فرصت و امکانات به نحوی که نیازمند باشند استفاده خواهند برد.گروهی از دانش آموزان مشکلات و مسائل و علایق مشترک دارند که ضرورتاً آنان باهم و به صورت گروهی راهنمایی می گردند. اغلب این گروه ها بین 4 تا 8 نفر خواهند بود. مدت جلسات برای این بین 45تا 60 دقیقه در نظر گرفته می شود. مشاورین در این گونه موارد به اعضای گروه فرصت می دهند تا با بحث ها و اظهار نظر و گفت و شنود ها  در علل و راه حل های مشکلات و مسائل خود دید گاه های لازم را کسب نمایند. این گونه جلسات سودمند بوده و در اثر آن نتایج زیر را می تواند داشته باشد. دانش آموزان مهارتهای اجتماعی و رابطه با دیگران و نیز صحبت در جمع را تجربه کنند. نظریات دیگران را با دیدگاه های خود مورد ارزیابی قرار می دهند.زندگی در جمع و علاقه به گروه در آنان فزونی می گیرد.عواطف دانش آموز تلطیف و ارضاء می گردد. اعتماد به دیگران در دانش آموز تقویت می گردد و نیاز به پذیرش در جمع بر آورده میشود.دانش آموز درک می کند که کلیه افراد دارای مشکلی هستند و لذا در جمع بودن او را دچار نگرانی و اضطراب شدید نمی سازد. (www:http،1393).

**3- راهنمایی سازشی:**

بعضی از دانش آموزان در انطباق خود با محیط و همکلاسان و اطرافیان دچار مشکل هستند به عبارت دیگر در سازگاری با خویشتن و محیط و اجتماع توانایی و دید گاه کامل ندارند. در راهنمایی سازشی به دانش آموز کمک می شود تا بتواند خود را با خویشتن، دیگران و محیط سازگار نماید. و مجموعه فعالیت هایی که در این زمینه صورت می پذیرد،راهنمایی سازشی نامیده می شود.موارد ی که فرد فاقد "خود سازگاری "می باشد،در اعمال و رفتار او نوعی عدم تعادل و نا به هنجاری مشاهده می گردد. این نا سازگاری ممکن است ناشی از اختلالات شدید عاطفی و یا عدم تعادل شخصیتی باشد، که در این صورت حالت مرضی در او مشاهده می گردد.البته در این گونه موارد نیاز به متخصصین مشهود است و لازم است به مراکز روان درمانی ارجاع گردند. دانش آموزانی هستند که نوع ناسازگاری آنها عمیق نبوده و حالت مرضی و بحرانی ندارند.در چنین وضعیتی مشاورین و کارکنان راهنمایی مدرسه با استفاده از فنون راهنمایی و مشاوره به این گونه دانش آموزان در کسب سازگاری مطلوب کمک می کنند. قبل از اقدام به کمک به افرادی که به نحوی ناسازگاری دارند لازم است مطالعات لازم در علل و نوع آن صورت بگیرد.

اقداماتی که در مدرسه برای سازگاری دانش آموز صورت می پذیرد عبارت است از:

الف) آشنا سازی آنان با مقررات مدرسه.

ب) استفاده از استعدادهای خاص دانش آموزان و تنظیم برنامه های فعالیت فوق برنامه مطابق با استعداد های آنان.

ج) مشارکت دادن آنان در پاره ای از امور مدرسه.

د) همکاری نزدیک مشاورین با اولیای دانش آموز در رفع ناسازگاری، کمک به دانش آموزان در درک علل ناسازگاری و آنگاه کمک برای خود درمانی آنان.

و) بالاخره به کارگیری فنون تراز شده و غیر تراز شده راهنمایی در جهت کشف مشکلی که موجب ناسازگاری می گردد و تلاش در حل آنها.

**4- راهنمایی تحصیلی:**

**تعریف:** مجموعه فعالیت های که از سوی کارکنان راهنمایی برای حل مشکلات تحصیلی و انتخاب واحد های درسی و رشته های تحصیلی به عمل می آید راهنمایی تحصیلی نامیده می شود. (www:htttp،1393).

1 -   **کمک به پیشرفت تحصیلی دانش آموزان:**

شامل: کمک ها ی در حل هر نوع مشکلی است که مانع پیشرفت تحصیلی فرد، فرد  دانش آموزان است. کارکنان راهنمایی به صورت مستمر هر دانش آموز را مورد مطالعه قرار داده و با توجه به توانایی و محدودیت آنان کمک های تحصیلی مناسب صورت می دهند. در این زمینه می توان:

الف- راهنمایی دانش آموزان به کسب عادات صحیح مطالعات درسی و غیر درسی ضروری.

ب- تدریس مطابق استعداد هر دانش آموز.

ج- کار بیشتر با دانش آموزان عقب مانده تحصیلی تا آنان با این کمک ها بتوانند با حداکثر توان خود در تحصیل و دروس پیشرفت نمایند.

د- فراهم آوردن امکانات بیشتر برای گروه دانش آموزانی که از نظر ذهنی توانایی بیشتری دارند تا آنان بتوانند در حد ظرفیت خود از برنامه های  تحصیلی استفاده نمایند. (www:http،1393).

 **2-کمک در انتخاب مواد و واحد های درسی:**

در نظام جدید آموزش و پرورش دانش آموز از بین دروس دست به انتخاب می زند. اگر در این رهگذر نیاز به راهنمایی داشته باشد لازم است با در نظر گرفتن علائق، استعدادها و مقاصد تحصیلی خود انتخابهایی به عمل آورد. فعالیت های که می شود برای کمک ترتیب داد عبارتند از:

الف) شناساندن واحدهای درسی و محتوای آنها و کمک در انتخاب صحیح واحد های درسی.

ب) طرح مقررات تحصیلی و آیین نامه های امتحانی  و آگاه ساختن دانش آموزان به این گونه مسائل.

ج) مطرح ساختن و روشن کردن ارتباط بین واحد های درسی و رشته های تحصیلی در مقاطع بعدی.

د)کمک به دانش آموزان در شناخت علایق و رغبت های خود و ارتباط مواد و واحد های درسی با توانایی و رغبت آنان(www:http،1393).

**3 - انتخاب رشته تحصیلی:**

مقاطع تحصیلی ایجاب می کند که دانش آموزان ای که قصد ادامه تحصیل دارند از بین رشته های مختلف آموزش دبیرستانی دست به انتخاب بزنند.پس از این دوره نیز در ورود به دانشگاه و انتخاب رشته تحصیلی مناسب با توان مطرح می باشد.نقش راهنمایی کمک به فرد فرد دانش آموزان در انتخاب رشته تحصیلی همسو با علایق و استعداد و توان و در نهایت رسیدن به شغلی که مورد دلخواه و متناسب با توانایی های هر فرد خواهد بود. برای چنین مقاصد ی اقدامات زیر از سوی کارکنان راهنمایی به عمل می آید:

الف) روشن کردن مشخصات رشته های تحصیلی و چگونگی و مقررات تحصیل در آنها.

ب) ارتباط بین تحصیل و شغل و آگاه سازی دانش آموزان از چنین ارتباط.

ج) راهنمایی دانش آموزان در جهت درک صحیح استعداد ها و علایق شخصی.

د)توجه به هدف های تحصیلی بعدی و طرح نقشه و برنامه ریزی در جهت رسیدن به این مقاصد.

ه) آینده نگری در انتخاب رشته تحصیلی.

و) در نظر داشتن امکانات در انتخاب رشته تحصیلی. (www:http،1393).

**5- راهنمایی حرفه ای:**

**تعریف:** راهنمایی حرفه ای عبارت است از تعیین یک شغل برای فرد که با استعداد، امکانات، ظرفیت و خصائص شخصیتی او سازگاری داشته باشد.محتوای این تعریف دو مورد را تداعی می کند. ابتدا این که خصوصیات جسمانی و اخلاقی و روانی فرد باید شناخته شود. دوم،شغل نیز همه جانبه مورد برسی قرار گیرد و در نهایت این دو باهم تلفیق و سازگاری داشته باشند.نظریات مختلفی در رابطه با راهنمایی شغلی به وسیله دانشمندان جامعه شناسی و مشاوره و راهنمایی و روانشناسی ابراز گردیده است. ابن سینا می گوید: لازم است انتخاب پیشه و هنر آینده هر کودکی مطابق ذوق و استعداد و طبیعتش باشد در این انتخاب هرگز نباید هوی و هوس را دخالت داد.پیه رون فرانسوی یکی از روانشناسان بزرگ معاصر، راهنمایی حرفه ای را یک وظیفه اجتماعی می شناسد. او که بنیان گذار راهنمایی شغلی در فرانسه است می گوید:لازم است حرفه ای برای فرد انتخاب شود که از دیگر حرف و مشاغل با استعداد، توان و امکانات شخص سازگار و هماهنگ باشد و نیز او از انجام این کار لذت ببرد و خشنودی او حاصل آید به علاوه توزیع مشاغل چنان مناسب و عادلانه باشد که امکانات جامعه و روند منطقی آن را ممکن ساخته و رضایت یک مجتمع را تامین نماید.در تجزیه و تحلیل نظریه پیه رون دو اصل موجود است. به این معنی کسی که در امور راهنمایی حرفه ای فعالیت دارد باید شخص را کامل و دقیق بشناسد ثانیا:از مشاغل و حرف اطلاع لازم و کافی داشته باشد و در ضمن آینده نگری کرده و مطالعات دائمی در توسعه امورات را همواره تعقیب نماید.دو گونه روانشناسی در تعیین حرفه مناسب برای افراد نقش وسیعتری دارند. روانشناسی تشخیص که خصوصیات فرد را مطالعه می کند و "روانشناسی فنی" که از کیفیت مشاغل با معیارهای علمی بحث و گفتگو می نماید(www:http،1393).

# اهداف راهنمایی:

 آن است که از طریق کمک به افراد ، رشد شخصی ،روانی و بلوغ اجتماعی را در آنان تسهیل کند. به نظر عده ای دیگر از متخصصان هدف راهنمایی آن است که به  فرد کمک کند تا خود و محیط خویش را بشناسد و خود را با محیط خویش ربط دهد و سازگار کند. ولی بسیاری از صاحب نظران عقیده دارند که هدف های راهنمایی را در دو بخش آنی و غائی می توان مورد برسی قرار داد:

**الف) اهداف آنی:**

این گروه اهداف بیشتر جنبه پیشگیری داشته و غرض افزایش ، دانش و اطلاعات دانش آموزان در رویارویی با مسائلی است که در حال حاضر با آن مواجه هستند نظیر:انتخاب رشته ، انتخاب دوست و مسائل خانوادگی ، و در این موارد سعی می شود دانش آموزان با موقعیت های محیطی ، استعدادها ، توانایی ها،و محدودیت های خود آشنا شوند و برای خود راه مناسبی انتخاب کنند. و به صورت منطقی و در زمان اندک در رفع مشکلات اقدام می نماید.

**ب) اهداف غائی و** **نهایی:**

این اهداف نیز جنبه پیشگیری دارد ولی در زمانی طولانی تر قابل دست یابی است و موارد ی از قبیل: رشد همه جانبه دانش آموز،پرورش اعتماد به نفس ،قادر ساختن فرد به حل مشکلات خویش ،خود شناسی فرد ، خود رهبری ، مسئولیت پذیری و سازگاری فرد با زندگی را شامل می شود.(البته جدا کردن این دو هدف از یکدیگر مشکل است و در غالب موارد نمی توان بین آنها مرز مشخص قائل شد زیرا: ممکن است اقدام در جهت هدف های آنی،موجب دستیابی به هدف های آتی را باعث شود. یا بر عکس پیشرفت در جهت هدف های آتی ،موجب برآورده ساختن هدف های آنی  شود چنانچه در برنامه راهنمایی تنها به هدف های آنی اکتفا شود. این برنامه به وظیفه خود عمل نکرده و کار نا تمام گذاشته است. به همین دلیل، مشاور باید هر دو هدف را مورد نظر قرار دهد و به هدف های غائی، توجه بخصوص مبذول دارد. در کشورهای مختلف هدف تعلیم و تربیت ، که راهنمایی نقش تقویت کننده آن را دارد متفاوت است در بیشتر کشورها سعی بر آن است که در فرد به طور فزاینده ای قدرت خلاقیت و خود رهبری به وجود آید. در این صورت راهنمایی نیز با این هدف و بر همین اساس پایه ریزی می شود بر عکس در بعضی کشورها به راهنمایی دانش آموزان در انتخاب رشته های تحصیلی، شغلی، و رفع مشکلات آنی توجه می شود در ایران که شاید بتوان ادعا کرد که تعلیم و تربیت در زمینه ایجاد قدرت خلاقیت ، خود رهبری و اعتماد به نفس در دانش آموزان قصور کرده است باید راهنمایی ضمن توجه به هدف های عمومی آموزش و پرورش ، برای رسیدن به این هدف ها نیز توجه بخصوص و کوشش لازم را به عمل آورد. (www:http،1393).

#  اصول اساسی راهنمایی:

**اصل اول:**راهنمایی را کمک به فرد (دانش آموز) در روند رشد تعریف می کنند. راهنما کسی است که از مفهوم راهنمایی و رشد فرد آگاه است . او از مسئولیت استقبال می کند و به ارزش های فردی احترام می گذارد .در راهنمایی فنون و روشهایی برای کمک نمودن به فرد وجود دارد . این کمک ها موجب تجارب فرد شده و فرصت فکر کردن و معنا دادن به رشد او را توسعه و تعالی می بخشد.

**اصل دوم:** خود پنداری و اظهارات درونی و شخصی مراجع و امور و مسائل اجتماعی و خارجی دو موردی هستند که راهنمایی این دو زمینه را در نظر می گیرد. به عبارت دیگر دنیای هر فرد و ادراکات شخصی او از یک سو،و حوادث و مسائل خارجی از سوی دیگر در هم دخالت کرده و بر یکدیگر تاثیر می گذارد.

**اصل سوم:** برای مراجع باید ارزش و قدر قائل گردید. بدون توجه به عقیده ،موقعیت اجتماعی، جنس،نژاد، ملیت و وضع مالی او پس اصل شناسایی منزلت و قدر فرد و احترام به انتخاب او باید در راهنمایی منظور باشد. فرد در مسیر زندگی با موقعیت ها و موارد متعددی مواجه می شود که با توجه به مسئولیتی که نسبت به خود و جامعه دارد می تواند و قادر است آنچه را که در راه آن تلاش می کند بدست می آورد.

**اصل چهارم:**در راهنمایی فرد را کمک می کنند تا به انتخاب عاقلانه اقدام نماید.طرح ریزی نماید و تفسیر کند و سازگاری های لازم را با محیط بدست آورد. سدها و موانعی که در مسیر نقشه ها و تدابیر او وجود دارد شناخته و از سر راه برداشته می شود.در راهنمایی کمک ، می کند تا در جریان زندگی و در موقعیت های متناسب فراگیر آزادانه دست به انتخاب زده و عمل کند و مسئول کار و عمل خود باشد.

**اصل پنجم:**راهنمایی نباید تحمیل گردد و به اجبار انجام گیرد یعنی: راهنمایی گرایشی به جانب همکاری دارد و اجبار و اکراه در آ ن وجود ندارد دانش آموزان را نباید به خدمات راهنمایی مجبور ساخت اگر بدین گونه رفتار شود و آنان به صورت غیر داوطلب به مسئولان راهنمایی ارجاع گردند. مقاومت و رنجشی در آنها دیده می شود که این عمل اثرات نا مطلوبی خواهد داشت .راهنمایی به انگیزه درونی و اشتیاق به تغییر استوار است نه انگیزه خارجی . هر دانش آموز حق دارد که برای حل مشکل خود کمک طلب کند.

 **اصل ششم:** راهنمایی پوششی مداوم و پی در پی راهنمایی جریان پیوسته ای از کمک به فرد است. و در تمام طول زندگی ادامه دارد  در دوران تحصیل از کودکستان آغاز و تا دانشگاه ادامه پیدا می کند. طرح واحدی دارد که به کل برنامه مدرسه پیوستگی داشته و از آن تبعیت می کند.

**اصل هفتم:** راهنمایی مبتنی است: بر مطالعه فرد و جامعه او البته قبل از کمک ها لازم است توانایی ها ،قدرت ها و ضعف ها ی او درک شوند. برای فهمیدن و شناختن هر دانش آموز فنون و روشهایی وجود دارد  و ممکن است از یافته های دیگر رشته ها نیز در چنین فهمی استفاده شود.

**اصل هشتم:**در راهنمایی گروه های زیادی کمک می کنند و هر کس در چارچوب تخصص و صلاحیت های خود از این گروه ها می توان معلمین و مشاوران ،مدد کاران اجتماعی ، والدین و... را نام برد که همگی از نزدیک در وظیفه خطیری که به عهده دارند همکاری و تشریک مساعی می نمایند.

**اصل نهم:**راهنمایی به دانش آموز کمک می کند تا در شناختن خود موفق گردد. توانایی های بالقوه خود را بالفعل کند در این مسیر باید به دانش آموز کمک نمود تا او مقاصد عالی حیات و ارزش های اخلاقی را بشناسد محدودیت های خود را بداند و موقعیت ها و فرصت ها را درک نماید.

**اصل دهم :** راهنمایی در تعلیم و تربیت سعی می کند که هر کدام از افراد را بشناسد و شخصیت بدهد و اجتماعی سازد هدف مهم راهنمایی این است که هر کدام از دانش آموزان را احیانا از اثرات نا مطلوب جمع محفوظ دارد (www/hit،1393).

# مشاور کیست؟

مشاور به معنی اخص کلمه فردی متخصص است که می‌تواند باایجاد رابطه حسنه وبا مدد اطلاعات وتکنیک‌های که در اختیار دارد؛ به کسانی که مشکلاتی دارند کمک می‌کند تا با شناخت واقعی خود و مشکلات ، راه حل‌های منطقی برای آنها پیدا کنند. مشکلاتی که در مشاوره مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرند ممکن است در هر یک از زمینه‌های شخصی اجتماعی، خانوادگی، شغلی و حرفه‌ای یا تحصیلی باشد.

# خصوصیات مشاور:

مشاور از نقطه نظر ویژگی‌های شخصیتی باید فردی معتقد، مؤمن، پرهیزکار به معنای واقعی آن باشد وبه درجاتی از خود شناسی و درک نقاط مثبت و منفی خویش نائل شده باشد. او باید صبور و شکیبا بوده، عشق به کمک و یاری رساندن به دیگران با وجودش عجین باشد او باید انسان‌ها را قطع نظر از توانائی‌ها و قابلیت‌ها و تفاوت‌های ظاهری‌شان دوست بدارد و به صرف انسان بودن محترمشان بدارد (نوابی نژاد 1382؛ 167).

خصوصیات راهنما یا مشاور در موقعیت کارش تأثیر بسزایی دارد. راهنما ومشاور باید:

الف) از سلامت روانی و جسمانی برخوردار باشد و از بخل وحسد و دروغ بپرهیزد.

ب) باهوش باشد و به راحتی و صراحت وفصاحت صحبت کند و توانایی لازم برای استدلال و درک و فهم مطالب را داشته باشد.

ج) به انسان‌ها و حل مسائل و مشکلات آنان علاقمند باشد.

ه) صمیمی و مهربان و رازدار باشد.

ز) در زمینه مشاوره، روان شناسی، تعلیم و تربیت، جامعه شناسی و نیز امکانات شغلی و تحصیلی و بهداشتی جامعه آگاهی داشته باشد.

ح) متقی و خوشنام باشد و خدمت صادقانه و خالصانه به همنوع را مد نظر قرار دهد.

ط) حضور ذهن داشته باشد و بتواند سؤالات دقیق و مناسب را به موقع مطرح سازد.

ی) به مطالعه و افزایش دانش خود علاقمند باشد و بکوشد در جریان جدیدترین مطالب علمی درباره رشته‌اش قرار گیرد.

ک) در برقراری رابطه با انسان‌ها مجرب باشد وتحمل شنیدن مطالبی را که خود به آنها معتقد نیست، داشته باشد (شفیع آبادی 1386: 52).

بنابراین مشاور یا افرادی که به عنوان راهنما سعی در یافتن راه حل مناسب جهت جذب مراجعین دارند باید دارای شرایط و خصوصیاتی باشند که برخی از آنان عبارتند از: علم و تخصص، احترام به خود و داشتن کمال، عاقل بودن و بردباری، آزاد، متدین و با تقوا، صمیمت و سازگار با محیط، رازداری، صاحب نظر بودن، واقع بین و حقیقت بین، داشتن تجربه، امانت دار، علاقمند به مراجع و تمایل به کمک به آنها، تمایل به دوست داشتن مردم، احترام به تمامی افراد انسانی، داشتن علاقه و ایمان حرفه‌ای در مشاوره، ثبات عاطفی، رشد فکری و قدرت انطباق شخص، داشتن استعدادرهبری، خوش برخورداری و داشت شخصیت گرم و دوست داشتنی، دارای وضعیت ظاهری خوش آیند (حسینی 1378؛ 79).

# ضرورت مشاوره وراهنمایی در مدارس

گر چه در این باب هنوز اختلاف نظر وجود دارد که مشاوره در مدارس راباید یک شغل تخصصی و جدا به شمار آورد یا آن را از وظایف معلمان دانست که ضمن انجام تدریس و کار با شاگردان عهده‌دار آن نیز باشند. از طرفی والدین چنین می‌پندارند که وظیفه آنهاست که فرزندان خویش را در تصمیم گیری‌ها یاری نمایند و ارشاد و هدایت کنند. افرادی نیز اعتقاد دارند که یاری خواستن از دیگران، نشانه ضعف روان و اراده است وبا همت وپشتکار می‌توان به همه مشکلات فایق آمد. علیرغم این آرا و تردیدها چنین به نظر می‌رسد دلایل زیادی وجود دارد که ما در جهت ارائه خدمات مشاوره‌ای سوق می‌دهند برخی از آنها عبارتند از:

الف): موقعیت و وضعیت بسیار پیچیده‌ای که هر فرد در دنیای کنونی با آن مواجه است پیچیدگی به هنگام انتخاب شغل بیشتر رخ می‌نماید و تقاضا برای مشاوران تحصیل کرده و کارآزموده را مطرح می‌دارد وقتی فرد جوانی بخواهد از بین مشاغل و حرف زیادی به گزینش بپردازد با کار آسانی مواجه نیست. چه بسا اطلاعات زیادی نیاز دارد تا تصمیم گیری را آسان کند هم اکنون فراوانند مردان و زنانی که پی برده‌اند گزینش اولیه آنان با روشن بینی و مال‌اندیشی صورت نگرفته است وبا ناکامی برخورد کرده‌اند.

ب) دومین دلیل ترکیب جامعه بسیار متنوع صنعتی با آرمان‌ها و نگرش‌های آدمی است که مشاوره را ضروری می‌دارد این ضعف غالباً نادیده انگاشته می‌شود که هر فردی حق دارد به شغلی خاص بپردازد که شرایط احراز آن را دارد. دیگر نمی‌توان مدافع این امر بود که فرزندان مردان متخصص باید در مشاغل تخصصی پذیرفته شوند و فرزندان کارگران غیر ماهر همچنان در مشاغل ساده به کار بپردازند این حق هر فرد و شاید وظیفه و تکلیف اوست که وضعیت خود را بهبود بخشد و تا حد امکان پیش رود. چنین نگرشی از میراث فرهنگی ماست ممکن است ما با دادن آزمون‌هایی به شاگردان شایستگی آنها را برای اشتغال به برخی از مشاغل یا رشته تحصیلی معین کنیم اما شاگرد خود قادر نیست با این اطلاعات به انتخاب درست بپردازد زیرا در شبکه‌ای از محدودیت‌های شغلی و توقعات و انتظارات خانوادگی و آرمان‌ها و تردیدهای شخصی و موانع و مشکلات اجتماعی گرفتار است او بیش از اطلاعات نیاز به مشورت دارد.

ج) – سومین عامل از دید شاگردان مدارس متوسطه و اشتیاق شدید آنها و خانواده‌شان برای ورود به دانشگاه‌ها و مدارس عالی است این مطلب بر همگان آشکار است و نیازی به تشریح ندارد. شاگرد در طول سال‌های تحصیلی و دوره راهنمایی و متوسطه باید به رشته‌هایی روی آورد که با استعداد و توانایی و خصایص او متناسب باشند و در زندگی آتی او دارای ارزش شوند اما تعیین چنین ارزشی آسان نیست. شاگردان غالباً در تنگنای بین ارزش‌های شخصی خویش و تجارب درسی و کلاسی با ارزش‌های والدین ومحدودیت‌های جامعه گرفتارند و نمی‌دانند چه باید بکنند. از این رو دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند. پیچیدگی اوضاع اجتماعی واقتصادی و محدودیت‌های ورود به دانشگاه‌ها به این اضطراب‌ها می‌افزاید. والدین و معلمان خود می‌دانند که درک چنین پیچیدگی و یا اثرات آن بر فرد کار ساده‌ای نیست شاید به مشاور ی نیاز باشد که تحصیلات خاص و تجارب او بتواند در این معضل راه گشا و رهنمون افتد.

د) – چهارمین عامل و انگیزه برای استقرار مشاوره تخصصی تغییرات سریعی است که در راه‌ها و روش‌های زندگی ما در عصر صنعتی و تکنولوژی روی می‌دهند. جامعه شناسان و نویسندگان زمان کنونی را عصر اضطراب نامیده‌اند. هر چند آمار دقیقی در دست نیست که در این زمینه به مقایسه بین قرون و اعصار بپردازیم و اصولاً ممکن نیست فراوانی‌های عصبی واضطرابی هر قرن را در حیطه اندازه‌گیری وسنجش قرار داد تا مقایسه میسر می‌گردد اما شکی نیست هر قدر زندگانی پیچیده‌تر می‌شود وهر اندازه صنعت وتکنولوژی پیش می‌رود و به همراه آن تغییرات رخ می‌دهند نتایج و اثرات آنها بر اعصاب وروان فرد، فشار بیشتری وارد می‌کنند که گاه به مشاوره و روان درمانی نیاز پیدا می شود. نهایتاً باید گفت که راهنمایی ومشاوره در مدارس یک ضرورت گریز ناپذیر است. (پیبسون؛میشل؛ ترجمه ثنایی. 1388،278،279).

# هدف مشاوره تحصیلی :

منظور اصلی راهنمایی آن است که هر نوع کمکی را که فرد برای نیل به حداکثر رشد و نمو و پیشرفت خود نیاز دارد به او بدهد و بر مبنای این تأکید است که عنوان مشاور جایگزین راهنما گردید وجریان کار کردن با فرد مشاوره نامیده شد ادراک کامل شخص از خود موجب پختگی بیشتر او می‌شود و در نتیجه مشاوره نه تنها فرد را قادر به حل مشکلات آنی خود می‌گردد بلکه توانایی بهتر و بیشتر نیز برای حل مشکلات غائی در او به وجود می‌آید. ضمناً مشاوره با کمک به افراد در گسترش برنامه جدید آموزش و پرورش دبیرستان‌ها سهم بسزایی داشته ومقام مهمی را در برنامه مدارس اشغال کرده است (نیکزاد، مهرآرا 1387، 165).

رابطه سنتی بین فرد یاری رسان و مراجع نمونه‌ای از روابط نابرابر قدرت در جامعه است مراجع نیاز به کمک دارد زیرا او به نوعی در شرایط پایین‌تری قرار دارد و افراد یاری رسان در موقعیت برتری قرار دارند زیرا دانش لازم را داشته و توانایی درک دیگران را دارند هم چنین از شخصیت خوب و سازمان یافته‌ای برخوردارند و بیشتر از طبقه متوسط اجتماعی هستند در حالی که بیشتر مراجعان از طبقه پایین جامعه می‌باشند (هیلی[[19]](#footnote-19) یکی از مهم‌ترین وظایف مشاوره را به حداقل رساندن این تفاوت ونابرابری در فرایند مشاوره می‌داند) پرهیز از پوشش‌های خاص و عدم استفاده از اصطلاحات تخصصی و حضور در جامعه به ویژه ارائه روش‌های مشاوره مبتنی بر اجتماع از مواردی است که به کاهش تفاوت کمک می‌کند (رزاقی 1389؛ 8).

اهداف مهم برنامه راهنمایی مشاوره در دوره ی راهنمایی تحصیلی را می توان در قالب زیر جمع بندی کرد:

 **- رشد و تعالی استعداد های بالقوه افراد :**هدف اصلی تعلیم و تربیت ایجاد زمینه ی مناسب جهت شکوفایی استعداد های بالقوه ی انسانها است. بنابراین: شخص برای رسیدن به این مرحله نیازمند ارتباطی تعالی بخش است ارتباطی که منجر به خویشتن پروری شود. در فرآیند رشد همه جانبه نیازمند تلاش و کوشش درونی و مساعدت فکری و عقلی از صاحبان دانش و خرد می باشیم . تعلیم و تربیت در راهنمایی و هدایت بشر به سوی کمال وظیفه دارد که از طریق ارائه ی راهنمایی و مشاوره زمینه ی رشد و شکوفایی را فراهم سازد. این امر مهم در دوره ی راهنمایی تحصیلی دارای اهمیت ویژه ای است زیرا شخصیت فراگیران این دوره به سرعت در حال تکوین می باشد بنابراین :آنان بیش از هر زمان دیگر نیازمند راهنمایی و مشاوره هستند.

**- بهبود فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری :**مهارت تصمیم گیری یکی از مهارت های اساسی زندگی می باشد زیرا زندگی سراسر با موقعیت های تصمیم گیری آکنده است بنابراین: پرورش مهارت تصمیم گیری به عنوان یک هدف اصلی در آموزش و پرورش مورد توجه می باشد برای تقویت و بهبود آن باید دانش آموزان یاری شوند تا یاد بگیرند که چگونه تصمیم گیری کنند اقدام راهنمایی و مشاوره نیز در جهت تسهیل فرآیند تصمیم گیری قرار می گیرند.

**- کمک به افراد برای شناخت علایق و توانایی های خود:** انسان ها برای بهره گیری از خرد و اندیشه ی خود در زندگی نیازمند خود شناسی هستند  و این امر مهم  در جریان تعلیم و تربیت جایگاه خاصی دارد انسان اول باید به خود شناسی برسد بعد به اساس توانایی های خود به شناخت محیط اطراف بپردازد یکی از اهداف راهنمایی و مشاوره کمک به افراد جهت خود شناسی است.  شناختی مبتنی بر آگاهی از همه ی ابعاد وجود ی خود به عبارتی خود شناسی به معنای شناسایی، توانمندی ها و محدودیت ها خود است(اینترنت،1393).

# هدایت تحصیلی در دبیرستان

 راهنمایی تحصیلی در دبیرستان دو نقش دارد : یکی نقش جبرانی و دیگری موضوع طرح ریزی برای ادامه ی تحصیل در دانشگاه یا انتخاب شغل . در مورد انجام نقش جبرانی ، مشاور باید در صورتی که دانش آموز رشته ی تحصیلی نامناسبی انتخاب کرده است ، او را کمک کند تا برابر مقررات مدرسه ، که در این مورد معمولاً انعطاف پذیر است ، تغییر رشته دهد . موضوع دیگری که در راهنمایی تحصیلی در این دروه از اهمیت خاصی برخوردار است ، طرح ریزی برای ادامه ی تحصیل یا انتخاب شغل پس از آموزش متوسطه است . در این مورد مشاور باید اطلاعات وسیع و دقیق در زمینه مشاغل مختلف و رشته های تحصیلی دانشگاه ، و مؤسسات آموزش عالی و ضوابط و چگونگی ورود به هر یک را دراختیار دانش آموزان بگذراند و آنان را برای تصمیم گیری مناسب در این که به دانشگاه بروند ویا پس از آموزش متوسطه به انتخاب شغل بپردازند ، یاری برساند. دانش آموزان در تحصیلات متوسطه باید از مشاوران راهنمایی در مورد رفتن به دانشگاه یا اشتغال به حرفه کمک بگیرند. گاه طرح ریزی برای رفتن به دانشگاه مناسب فرد نیست و گاه نیز هدف های حرفه ای نیاز به تحصیلات دانشگاهی ندارد. (اینترنت،1393).

# ویژگی‌های مشاور از دیدگاه اسلام:

 1. عالم و درستکار باشد: «شاوروالعلماءالصالحین» با دانشمندان صالح مشورت نمایید پیامبر (ص).

 2. بر خود کنترل داشته باشد «با پرهیزکاران وکسانی که بر نفس خود شرکت دارند مشاوره کنید» پیامبر (ص).

 3- عامل باشد «اگر مشاور به مطلبی اشاره کند باید چنان باشد که اگر در آن مقام قرار گرفت خود به آن عمل کند» پیامبر(ص).

 4. صاحب تجربه باشد « کسانی که با آنها مشورت می‌کنید صاحبان اندیشه و علم و دارندگان تجربه و دوراندیشی باشند» حضرت علی (ع).

 5. صاحب اندیشه باشد «هر کس که با صاحبان اندیشه مشورت نماید به راه خیر رهنمون گردد» حضرت علی (ع).

 6. راز دار باشد « مشاور را از سر خود آگاه می‌کنی و آگاهی او مانند آگاهی تو می‌شود، آن گاه مشاور آن را می‌پوشاند و نگه می‌دارد و رازدار است» امام صادق (ع).

 7 . امانتدار باشد «کسی که با او مشورت می‌نمایید امانتدار است، اگر صلاح بداند به موضوع اشاره می‌کند و اگر نه مشاور ساکت می‌ماند» پیامبر (ص).

 8. بخیل، ترسو، نادان، لجوج و دروغگو نباشد (غلامی 1387).[[20]](#footnote-20)

 اهم وظایف مشاوران دوره متوسطه به شرح ذیل :

   آشنا کردن دانش آموزان و خانواده های آنان با ساختار نظام آموزش و پرورش (اهداف، شاخه ها، رشته ها و برنامه ها) و ضوابط انتخاب رشته.

   ایجاد زمینه های لازم برای بالا بردن سطح آگاهی های دانش آموزان نسبت به ویژگی ها، تواناییها و محدودیت های فردی.

شناسایی دانش آموزان که دارای مشکلات تحصیلی و تربیتی هستند و کوشش برای رفع یا تقلیل مشکلات آنان.

انجام مشاوره فردی با دانش آموزان در امور تحصیلی- تربیتی و خانوادگی.

انجام مشاوره های گروهی با دانش آموزان در امور مختلف تحصیلی و تربیتی و خانوادگی.

اجرای آزمون های هوش، استعداد، رغبت و شخصیت در مدارس متوسطه.

کمک به دبیران راهنما و سایر دبیران در انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان.

تدریس درس برنامه ریزی تحصیلی و شغلی و مهارت های زندگی به دانش آموزان. (اینترنت،1393).

# اصول مشاوره

- باید مراجع را به عنوان یک فردی انسانی پذیرفت و با او رفتاری صمیمانه داشت. مشاور باید حقوق خود را صادقانه محترم بشمارد.

- مشاوره اساساً رابطه ازاد و مجاز است. مراجع هم مانند مشاور می‌تواند رابطه مشاوره‌ای را پایان دهد. بنابراین مشاور باید از هر کوشش و اقدامی که منجر به تحمیل عقیده ونظر او به مراجع گردد خوداری کند. اگر غیر از این باشد مشاوره جنبه اجبار پیدا می‌کند و تا مرحله پند و اندرز تنزل می‌یابد.

- به مراجع باید ارج نهاد و برایش احترام قائل شد بنابراین فردی که در تجربه وتحلیل‌های روانی متخصص باشد اگر به فرد توجه نکند و قدری برایش نشناسد راهنمای خوبی نخواهد بود.

- باید هم به نیازهای جامعه و هم به توانایی‌ها و محدودیت‌های فرد توجه داشت.

- راهنمایی امری پیشنهادی است نه اجباری، توصیفی است و نه ارزیابانه.

- راهنمایی مربوط به یک جنبه زندگی نیست و به سن معینی محدود نمی‌شود.

- مشاوره فکر کردن با فرد را تأیید می‌کند ولی فکر کردن با فرد را از فکر کردن برای او تمیز می دهد. مشاور بایدجهان را در دریچه چشم دیگران ببیند. دنیا را از دریچه چشم دیگران دیدن و یا خود را به جای دیگری نهادن عبارت از آن است که شخص افکار و احساسات طرف مقابل را بدون آن که عواطف خود را در داوری دخالت دهد درک کند به بیان دیگر بدون آن که تحت تأثیر احساسات خویش واقع شود دیگری را بفهمد تصمیم گیری نهایی و قبول مسئولیت با خود مراجع است (نیکزاد، مهرآرا: 1387، 47).

امروزه مشاوره موضوع بحث و جدل عمومی شده است از یک سو نسبت به فجایع مداخله مشاوران، واکنش تکانشی وجود دارد و از سوی دیگر انتقادهای زیادی نسبت به مشاروه در مطبوعات مطرح می‌شود. این انتقادها متوجه کاربرد افراطی است و این که آیا مشاوره اصولاً اثر بخش، اخلاقی یا حتی لازم است؟ به نظر می‌رسد که مشاوره نظیر مددکاری اجتماعی در دهه‌های قبل کانون توجه عمومی شده است در عین حال انتقادهای مثبت ‌تری توسط اسمیل (1997) و هاوارد[[21]](#footnote-21) (2005) مطرح شده است که با هدف اطلاع رسانی و درک بهتر از مسائل مشاوره همراه هستد به این ترتیب مشاوره توسط منابع مطلع آزمون شده است و برآورد می‌شود که در حال حاضر بیش از 50% مطلب‌های عمومی و گروه‌های داوطلب ومؤسسات مجاز خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌دهند. این تصویر نمایانگر تردیدی احتمالاً واقع بینانه، در توانایی‌های مشاور است چرا که در آن بیشتر به کنترل مشکل فرد تکیه می‌شود تا بر حل مسائل مراجع وچنین چشم اندزی به کار بستن اصول زیربنایی راجرز در زمینه هم حسی، هماهنگی و توجه بی حد ومرز مثبت به مراجع، دیگر یگانه روش درمانی مؤثر نخواهد بود (وست، ترجمه شهیدی – شیر افکن. 1387؛ 82).

این گونه ادعا که هر کی می‌تواند مشاور باشد نادرست است همان طور که کیپرز[[22]](#footnote-22) (1966) اشاره می‌نماید این واقعیت که معلمان خوب مشاوره‌های مطلوبی انجام می‌دهند به این معنی نیست که همگی مشاوره‌های صحیحی انجام داده‌اند بنابراین این ادعا که هر فردی می‌تواند مشاوره کند موجب تخفیف و دست کم گرفتن مهارت مشاورین و بی اعتباری مسئولیت آنان می‌شود (کینگ، ترجمه قورچیان و جمالی؛ 1389؛ 11).

# مشاوره از دیدگاه اسلام:

 دین مبین اسلام به مشاوره ومشورت توجه خاصی دارد. مشاوره از دیدگاه اسلام شرکت در اندیشه دیگران وتبادل نظر با آنان است. حضرت علی (ع) فرموده‌اند: من شاورالرجالشارکها فی عقولها یعنی هر کس با افراد با کمال و لایق مشورت نماید در عقل آنها شریک شده است. از نظر اسلام خودرایی باعث هلاکت آدمی است. حضرت علی (ع) با بیان این که «من استبد براید هلک» یعنی هر کس که خود رأی باشد هلاک می‌شود. افراد را از خودرأیی بر حذر می‌دارد. از نظر اسلام مشورت در کارها باعث بهتر شدن کار و استمرار آن می‌شود. در قرآن کریم به پیامبر (ص) خطاب شده: ...شاور هم فی الامور فاذا فتوکل علیالله: یعنی ای پیامبر در کارها با مسلمانان مشورت نما و وقتی تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن.

این آیه به چند مطلب اشاره دارد:

 1. قبل از تصمیم گیری با افراد مؤمن مشورت شود.

 2. مشورت در کارهای مهم صورت گیرد.

 3.پس از مشورت تصمیم گیری کنند.

 4. پس از تصمیم گیری بر خداوند توکل نمایند و به رحمت او امیدوار باشند.

مشاوره در اسلام دامنه وسیعی دارد و شامل مسائل فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود.

 مشاوره از دیدگاه اسلام در سه معنی به کار رفته است.

 1. مشاوره به معنای مشورت در امور شخصی: که به افراد توصیه شده با صاحب نظران مشورت نمایند و از تجارب آنان سود جویند در این رابطه پیامبر (ص) فرموده‌اند: من شاور ذوی الالباب دل علی‌الصواب: یعنی هر کس با صاحبان اندیشه وفکر مشورت نماید راه صواب و خیر را می‌یابد.

 2. نظر خواهی از دیگران برای تصمیم گیری مهم اجتماعی وسیاسی

در آیه شریفه: و شاورهم فی‌الامور ...! یعنی ای پیامبر در کارهای مهم با آنان مشورت نما. از پیامبر خواسته شده تا در مسائل مهم اجتماعی نظر مؤمنان را جویا شود.

 3. مشاوره به معنای فرایندی برای کمک به حل مشکلات

احادیث زیادی و از جمله: لاظهر کالمشاوره: هیچ پشتیبانی همانند مشاوره نیست ... مشاوره را فرایندی برای کمک و پشتیبانی از فرد و کمک به حل مشکلات او قلمداد می‌کند.

مشاوره به مثابه یک فرایند شامل ابعاد زیر است

الف: ایجاد رابطه یاورانه «حسنه»

ب: شناخت مشکل مراجع

ج: ویژگی‌های صلاحدیدهای مشاور

د: روشهای برخورد با مشکلات مراجع (روش‌های درمانی).

# عوامل موثر در لزوم و گسترش راهنمایی تحصیلی :

بررسی راهنمایی به مفهوم کلی و از جنبه های مختلف، کار ساده ای نیست. ولی دو عامل اساسی زیر، تحول و تغییر و لزوم راهنمایی را در زمان حاضر، بیش از پیش موجب شده است:الف: توسعه پدیده شهر نشینی **.**ب: ترقی تکنولوژی.

پدیده شهر نشینی، تنوع و تقسیم مشاغل را باعث شده است ، و ترقی تکنولوژی نقش تخصص را در احراز شغل بر جسته کرده است ، به علاوه تحول مستمر تکنولوژی جدید،ایجاب می کند که باید افراد، نه تنها برای مشاغل معین آماده شوند، بلکه توانایی خاصی نیز برای سازش های متوالی و پذیرش دگرگونی ها داشته باشند.چند عامل فرعی زیر که در واقع زاییده دو اصل فوق هستند، در ضرورت و پیدایش فکر راهنمایی و همچنین گسترش آن موثر بوده اند:

1- اهمیت یافتن آموزش فنی و حرفه ای و گرایش افراد به سوی این نوع مشاغل، تا جایی که بتدریج مراکز کشاورزی را ترک کرده ،و جذب قطب های صنعت و به ویژه خدمات می شوند. این وسعت میدان تغییر مشاغل ، اهمیت مسئله راهنمایی آموزشی و حرفه ای را بر مدیران و مسئولان اقتصادی و تربیتی روشن می کند. ما نیز هم اکنون در مرحله گذار از زندگی کشاورزی، به صنعتی و خدمات هستیم و باید جوانان را برای این مرحله انتقالی آماده سازیم.

**2-** پیدایش افکار انسان دوستانه و نفوذ روز افزون آن به داخل نظام های تربیتی برای رفع مسائل و مشکلات دانش آموزان: افکار عدالت خواهانه ، ابتدا در عرصه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی ظاهر شده و سپس نظام های آموزشی را نیز در بر گرفته است.

**3-**افزایش نقش اجتماعی مدارس در هدایت تحصیلی ، سازشی و حرفه ای دانش آموزان : تحولات سریع اجتماعی و اقتصادی ، سنت های دیرینه را در هم می شکند ، و ارزش های تازه ای را جایگزین ارزش های کهنه می سازد . دیگر خانواده ها به تنهایی قادر نیستند تمام مسئولیت های آموزش و پرورش فرزندان خود را بر عهده بگیرند. از طرفی بالا رفتن سطح توقع مردم و نیاز های جدید نیز باعث شده است که پدر و مادر، بیشتر وقت خود را در خارج از خانه به گذارند و فرصتی برای راهنمایی و تربیت کودکان خود نداشته باشند. نقش مسجد و کلیسا هم محدود به آموزش ارزش های اخلاقی شده است. در نتیجه مسئولیت راهنمایی بتدریج از خانواده ها و کلیسا و مسجد، به مدارس انتقال یافته است.

**4-** تحول جوامع سنت گرا و خود کامه به آزاد اندیشی و مردمی: تغییرات اجتماعی و سیاسی در جهان ، به افراد علی رغم موقعیت خانوادگی، اجتماعی و طبقاتی ،فرصت تصمیم گیری و انتخاب داده است، و باید به آنها کمک شود که به بهترین شکل ، از فرصت ها، امکانات، و استعداد های خود بهره برداری کنند.

**5-** گسترش علوم و علوم رفتاری: توسعه علوم به طور عام و کلی ، باعث پیدایش رشته های متنوعی شده است که الزاما بر تصمیم گیری دانش آموزان در انتخاب رشته تحصیلی تاثیر گذاشته است. همچنین با پیدا شدن علوم رفتاری به طور خاص ، شناخت ما نیز از فرد و محیط ، متقابلا افزایش یافته است. توسعه حرفه روانشناسی ، مخصوصا بهداشت روانی، باعث تاسیس کلینک های روانی ، و مراکز راهنمایی کودکان شده است. پیشرفت در تهیه آزمون های مختلف هوش، استعداد، رغبت و شخصیت ، راه را برای شناخت بهتر توانایی ها و نارسایی های دانش آموزان، و هدایت آنها براساس این شناخت هموار کرده است. جامعه شناسی به ما کمک کرده تا،نقش افراد را در جوامع بهتر و روشن تر درک کنیم. علم اقتصاد ، اطلاعات حاصل از تجارب کار و نقش و موقعیت افراد در اقتصاد پیچیده را در اختیار ما گذاشته است. و بالاخره مردم شناسی ، که درک ما را از تاریخ فرهنگ ملت ها افزایش داده است.

**6-** چگونگی رشد و تکامل انسان : رشد فرد به ویژه از نظر روانشناسی کودک و نوجوان، امر راهنمایی را ضروری ساخته است. زیرا اولا: نوزاد انسان بسی ناتوان تر از نوزاد حیوان است، و در نتیجه بر خلاف حیوان که براساس رفتار غریزی ، خیلی سریع با محیط سازش می کند، و زندگی ساده و یکنواخت خود را دنبال می نماید، به خاطر طولانی بودن دوران کودکی نیازمند مراقبت ، یادگیری و راهنمایی بیشتری است. ثانیا: نوجوان در مرحله بحران بلوغ ، به لحاظ ناسازگاری و آرمان گرایی از سویی و تازگی مشکلات و نداشتن تجربه کافی از سوی دیگر، نیازمند هدایت و راهنمایی است که بتواند به سلامت این دوره را پشت سر بگذارد.

باید توجه داشته باشیم ، که راهنمایی باید در خدمت همه فراگیران باشد و به گروه معینی اختصاص پیدا نکند، زیرا برای همه مشکلاتی پیش می آید.  گر چه جوانان برای یادگیری و کسب معلومات به مدرسه می روند، ولی گاه یک مشکل عاطفی، شدیدا جلوی یادگیری را می گیرد. دانش آموز آشفته و پریشان ، قادر نیست، ذهنش را متوجه تکالیف مدرسه کند.زیرا لازمه یادگیری، رغبت و انگیزه است از طرفی انگیزه هم در بحران احساسات، بتدریج از بین می رود ،و هر ناراحتی **،**ناراحتیدیگری را موجب می شود. نگرانی و اضطراب دانش آموز با احساس شکست در کار ، تشدید می شود. باید به دانش آموزان در رفع این بحران کمک شود ، زیرا صرفه نظر از جنبه انسان دوستی آن، چنین کمکی از تلف شدن کوشش های تحصیلی جلوگیری می کند.چه بسا افرادی کهممکن است معلومات لازم را برای امرار معاش آموخته باشند، ولی به علت ناراحتی های عاطفی، و بی نظمی های رفتاری ، نتواند در شغل خود، فرد لایق و با کفایتی باشند و از زندگی لذت ببرند. (www:http،1393).

# عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی

این عوامل به طور کلی دو جنبه دارند: وارثت ومحیط ؛ هوش، استعداد و سایر خصوصیات فردی زمینه ارثی دارند. نقش محیط شکوفا کردن و بالفعل کردن توانایی‌های بالقوه است عوامل محیطی دانش آموز، شامل تمام آنچه او را در بر گرفته در طرح ریزی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شایان توجه است برخی از مهم ‌ترین عناصر محیطی عبارتند از:

1. خانوده: اعضاء خانواده به ویژه پدر و مادر، در امور تحصیلی فرزندان، نظیر انتخاب رشته تحصیلی آنان دخالت می‌کنند. گاه این دخالت‌ها مناسب و به جا و در پیشرفت وجهت‌گیری صحیح آنها مؤثر است. ولی گاهی این اظهار نظرات باعث عقب ماندگی و یا انتخاب نادرست در جهت گیری تحصیلی فرزندانشان می‌شود. مثلاً خانواده‌ها می‌خواهند فرزندانشان در رشته‌هایی تحصیل کنند، که در خانواده آنان معمول است خانواده‌های روحانی فرزندان خود را برای تحصیل در علوم دینی تشویق می‌کنند. خانواده‌های مالک یا زارع در مواردی تمایل دارند که فرزندانشان در رشته کشاورزی درس بخوانند و ... مواردی وجود دارد که خانواده‌ها هدف‌های تحصیلی جاه طلبانه‌ای برای فرزندان خود در نظر می‌گیرند که امکان حصول به آنها وجود ندارد مصداق این مورد دانش آموز ضعیفی است که پدرش اصرار دارد تا وی تا سطح دکتری ادامه تحصیل دهد و وظیفه مشاوران در ایجاد سوق دادن فرد در رشته متناسب با تواتایی ومشاوره با اولیا و افراد خانواده جهت تفهیم مطلب است (حسینی 1381؛ 101).

 2. اقوام و دوستان: این افراد به علت تلقینات یا رقابت‌ها، اعم از بعد سازنده یا مخرب آن، روی انتخاب هدف‌ها و وضعیت تحصیلی دانش آموزان تأثیر می‌گذارند. مشاور در این موارد باید به تصحیح موارد مخرب وجهت گیری‌های نامناسب به دانش آموزان کمک‌های لازم را ارائه دهد.

3. وضع اقتصادی و طبقه اجتماعی: فرزندان طبقه مرفه که از نظر امکانات مالی شرایط مناسبی دارند و نیز طبقات اجتماعی سطح بالای جوامع، اهداف تحصیلی گوناگون و متفاوتی را با طبقات کارگر و یا فقیر انتخاب می‌کنند. اینان به طرف رشته‌هایی که وجهه اجتماعی دارد، روی می‌آورند و غالباً برای نیل به مدارج بالای تحصیل اهمیت قایلند و از تمام امکانات خود برای تحصیل در داخل یا خارج کشور استفاده می‌کنند. در حالی که طبقات کم درآمد تلاش می‌کنند که هر چه زودتر برای کسب درآمد وارد بازار کار شوند و بیشتر به طرف رشته‌هایی گرایش دارند که فنی و یدی است (کلی، 1986؛ 5).

4. عوامل فرهنگی: عوامل فرهنگی جامعه در جهت گیری تحصیلی مؤثر است. ژاپنی‌ها به امر تحصیل و ارتقای علمی اهمیت زیادی می‌دهند در حالی که در جوامع اروپایی یا آمریکا اشتغال به حرفه پر درآمد بیش از ارتقای علمی مورد توجه است.خانواده‌های مذهبی که از یک فرهنگ اعتقادی برخوردارند کمتر به رشته‌های گروه هنر روی می‌آورند خانواده‌های روستایی گرایش به تحصیل در رشته‌های مهندسی کشاورزی دارند و کارخانه‌داران و ارباب صنایع به رشته‌های صنعتی تمایل نشان می‌دهند (شفیع آبادی1381؛42).در این موقع مشاور نباید مراجع را در حوزه فرهنگی خانواده یا جامعه‌اش محدود کند او باید با توجه به کلیه عوامل به ویژه استعداد و ظرفیت ذهنی فرد، او را به سوی رشته‌ها و اهداف مناسب تحصیلی رهنمون شود.

5. پیشرفت علوم و تکنولوژی:پیشرفت و علوم و تکنولوژی در گرایش‌های تحصیلی اثر می‌گذارد. با پیشرفت علوم رشته‌های تحصیلی جدیدی ایجاد می‌شود و غالباً این رشته‌ها در بازار کار طالب بیشتری دارد از جمله این علوم که در حال حاضر در همه ابعاد زندگی مردم اثر گذاشته، رایانه است. رشته‌های تحصیلی که در این حوزه تأسیس شده نیاز زیادی در بازار کارایجاد کرده و طالبان تحصیل را به طرف خود جذب کرده است.

6. مدرسه: شاید بعد از خانواده مهم ‌ترین عامل در تعیین اهداف و پیشرفت تحصیل دانش آموزان مدرسه است حتی با احتیاط می‌توان گفت با این که اثر تربیتی خانواده روی کودک بیش از مدرسه است ولی تأثیر مدرسه در پیشرفت تحصلی از خانواده بیشتر است. در مورد انتخاب رشته، واحدهای درسی و کمک به پیشرفت تحصیلی، مشاور به علت تخصص، در راهنمایی افراد آگاهانه ‌تر از والدین عمل می‌کند. (شفیع آبادی 1387؛ 48).

7. جنسیت: برخی از تفاوت‌ها در انتخاب رشته تحصیلی بین دختر و پسر علت محیطی دارد. باید اظهار نمود که پسرها و دخترها از نظر رشته تحصیلی گرایش‌های متفاوتی دارند و با توجه به نقش جنسیتی خود به انتخاب دست می‌زنند. دخترها بیشتر به علوم انسانی و هنر و پسرها بیشتر به ریاضیات و رشته‌های فنی علاقه نشان می‌دهند. (حسینی 1381؛ 72).نقش مشاور این است که چنانچه مثلاً در انتخاب رشته تحصیلی برای دختران محدودیتی وجود دارد باید آنان را از این واقعیت آگاه سازد و ترتیبی دهد تا عوامل محدود کننده شناسایی و بررسی بیشتری شوند.

8. وسایل ارتباط جمعی: رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی شامل کتاب، روزنامه، مجله، تلویزیون و ماهواره، فیلم‌های مختلف، سینما، تئاتر و ... همه این موارد در گرایش‌های تحصیلی مؤثر و مشوقند.تبلیغات استخدامی که در جراید و یا تلویزیون و سایر وسایل تبلیغاتی انجام می‌شوند گاه چنان ماهرانه و منطبق بر اصول علمی تهیه شده که دانش آموزان وافراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.وظیفه مشاور این است که با برنامه ریزی مناسب و راهنمایی گروهی و انفرادی در خنثی کردن جاذبه‌های کاذب و آگاه ساختن دانش آموزان تلاش کند (به نقل از قادری مقدم. 1387؛ 43).

9. تحصیلات والدین: انتخاب رشته تحصیلی تحت نفوذ تحصیلات دانشگاهی پدر قرار می‌گیرد در تحقیقی که در سال 1959 در کشور هلند انجام شد گزارش شد که از میان 1642 نفر پسر که رشته تحصیلی پدرشان پزشکی بوده 54 درصد به رشته پزشکی و 12 درصد به رشته تجربی رفته‌اند و بالعکس از میان 1122 نفر پسر که رشته تحصیلی پدرشان علوم تجربی بوده 47 درصد به رشته علوم تجربی و 17 درصد به پزشکی رفته‌اند از میان 942 نفر پسر که رشته تحصیلی پدرشان حقوق بوده 24 درصد به رشته حقوق و 14 درصد به تجربی و 13 درصد به پزشکی رفته‌اند و از میان 170 نفر پسر که رشته تحصیلی پدرشان کشاورزی بوده 27 درصد به تجربی و 24 درصد به فیزیک و 15 درصد به کشاورزی رفته‌اند. (یونسک 1976؛ به نقل از (کلی ،1986؛ 177). کلی همچنین اظهار داشته که فرزندان متخصص در رشته‌های علوم پایه در انگلستان بیشتر تمایل دارند که رشته‌های علوم را در دانشگاه انتخاب نمایند.والدین در گزینش حرفه‌ای نوجوانان تأثیر عمده‌ای دارند حرفه پدر در تعیین حرفه آتی پسر تأثیر می‌گذارند بخصوص وقتی که رابطه پدر و پسر نزدیک باشد. دختران هم اگر مادران شاغلی داشته باشند بیشتر متمایل به داشتن حرفه‌ای در آینده خواهند بود، به ویژه اگر مادرشان از شغل خود راضی باشد وپدر نیز از کار کردن همسرش احساس رضایت کند. (هنری ماسن، 1389. ترجمه یاسانی. 628).

10. تأثیر افراد مطلع وبا نفوذ: برخی از پژوهشگران در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که گفت و شنود محیطی، تماس‌ها و برخوردهای دانش آموزان، از نظارت والدین بر عملکرد تحصیلی و جهت گیری فرزندانشان نسبت به آموزشهای بعد از متوسطه مهم‌ تر بوده است (محمودی 1384). لذا نشست و برخواست کردن در مشاوره‌های گروهی و انفرادی و اطلاع رسانی از مهم‌ ترین وظایف مشاوره است. معلمان، مشاوران، و ارزش‌های همسالان نیز در انتخاب‌های شغلی نوجوانان تأثیر می‌گذارند، پسران خانواده‌های طبقه پایین در صورتی که به یک مدرسه طبقه متوسط بروند و با پسران آنان معاشرت کنند آرزوهای شغلی و تحصیلی بالاتری خواهند داشت (سیمپسون 1972 به نقل از هنری ماسن، 1389. ترجمه یاسایی 592).

11. عوامل اقتصادی: در بعضی مواقع فردی که انتخاب رشته می‌کند سعی دارد که به جایگاه اقتصادی رشته انتخابی خویش فکر کند و در میان عوامل اقتصادی به مسئله سهولت دستیابی به کار و جایگزینی شغلی مناسب فکر می‌کند تا هزینه فرصت‌های از دست رفته را جبران کند(کلی 1986؛ 188).معلمان با تجربه طی چند نسل به وجود ارتباط مثبت و قابل توجهی بین ادراک دانش آموز از خود و عملکرد او در مدرسه پی برده‌اند و بر این باورند که دانش آموزانی که از خود و تواناییهایشان خشنود هستند به احتمال زیاد، راه موفقیت را در پیش خواهند گرفت بر عکس افرادی که نگرش منفی از توانایی خود دارند از دستیابی به مدارج عالی باز می‌مانند. پس موفقیت و شکست تحصیلی به نظر می‌رسد از عمق تصورات فردی اشخاص ریشه بگیرد. موقعیت آموزشی یک موقعیت ارتباطی دوجانبه بین معلم و شاگرد می‌باشد، تأثیر نقش و نگرش هر یک از این دو در ایجاد یک تعامل مثبت و سازنده و یا بر عکس مخرب و منفی، غیر قابل انکار است لذا این روابط و نگرش‌های متقابل می‌تواند روشنگر میزان اهمیت آن در ثمربخشی فعالیت‌ها باشد. تعامل گرایان نمادی معتقدند که افراد مهم مانند دبیران و مشاوران مدارس تأثیر زیادی روی ادراک افراد دارند و سر نخ‌های مهمی در مورد عملکرد تحصیلی و انتخاب رشته در آینده ارائه می‌کنند (مارش و همکاران 2001).

به طور کلی عوامل مؤثر در انتخاب بسیارند و آگاهی مشاوران از آنها نقش بسزایی دارد. این عوامل در بعد فردی و محیطی عبارتند از: استعداد و توانایی، رغبت، شخصیت، نیازهای جامعه. امروزه بسیاری از مشاغل مستلزم آگاهی و استعدادهای خاص در زمینه‌های به خصوصی از علوم می‌باشد به طور مثال معلمان و نویسندگان نیازمند به استعداد درک کلامی در سطح بالا وحسابداران و متخصصان آمار نیازمند استعداد قوی در قدرت محاسبه می‌باشند. تحصیل در رشته‌های تحصیلی دوره‌های قبل از دانشگاه و دانشگاه ، توانمندی خاصی را در افراد به وجود می‌آورد که برای مشاغل مربوطه مناسب می‌شوند. موفقیت در تحصیل هم با استعدادهای بالقوه افراد و شکوفا نمودن آنها رابطه دارد و هدایت حرفه‌ای مفید از تناسب هدایت تحصیلی مربوطه حاصل می‌شود(عزتی،1384).

# شیوه هدایت تحصیلی دانش آموزان و ضوابط آن[[23]](#footnote-23)

ماده 96: هدف: هدایت دانش آموز به مناسب ‌ترین شاخه یا رشته تحصیلی، بر اساس استعداد و علاقه وی و به تناسب امکانات و نیازهای کشور.

ماده 97: ادارات کل آموزش و پرورش استانها خط مشی‌های هدایت تحصیلی را با توجه سیاست‌های کلی توسعه وضوابط هدایت تحصیلی اعلام شده باتأکید بر نیازهای شغلی که توسط وزارت متبوع به آنها ابلاغ می‌شود، به ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌، منطقه و نواحی ابلاغ می‌کنند.

ماده 98. شهرستان‌ها، مناطق ونواحی، ظرفیت‌های شاخه/ رشته تحصیلی را در هر سال تحصیلی به طور کتبی با توجه به امکانات به واحدهای آموزشی اعلام می‌کنند.

ماده 99. مسؤلان منطقه، ناحیه یا شهرستان با همکاری مدیران ومشاوران واحدهای آموزشی در طول هر سال تحصیلی خط مشی‌های توسعه و تعدیل ظرفیت هر شاخه/ رشته را بر اساس علاقه واستعدادها وتقاضاهای دانش آموزان و اولیای آنان به اداره کل آموزش و پرورش استان اعلام می‌کنند.

ادارات کل اطلاعاتی را که به این ترتیب حاصل می‌شود در تدوین خط مشی‌های هدایت تحصیلی منظور خواهند کرد.

ماده 100: مشاوران کلیه اولیاء دانش آموزان پایه اول را مطابق تقویم اجرایی، به واحد آموزشی دعوت می‌کنند و ضمن توضیح اهداف نظام آموزش متوسطه در مورد سیاست‌های آتی کشور، مسائل علمی، فرهنگی، فنی آوری و میزان نیاز جامعه به تخصص های مختلف واهمیت هر یک از شاخه‌ها/ رشته‌های تحصیلی، آنان را راهنمایی می‌کنند و پس از برگزاری جلسات متناوب در نیمه دوم فروردین سال اول،نمون برگ شماره (4) (نظر والدین دانش آموز در مورد شاخه/ رشته تحصیلی دانش آموز) را ارائه ودر نیمه اول اردیبهشت جمع آوری می‌کنند.

ماده 101: مشاور باید، در طول سال تحصیلی پایه اول به طور گروهی و انفرادی طی جلساتی با دانش آموزان، اطلاعات مورد نیاز رادر خصوص رشته‌های تحصیلی، مشاغل مرتبط، سیاست‌های توسعه ... در اختیار آنان قرار دهد وسپس نمون برگ شماره 3 (نظر خواهی از دانش آموز) را در نیمه دوم فروردین سال اول به آنان تحویل و در نیمه اول اردیبهشت جمع آوری کند.

ماده 102: مشاور باید، باهمکاری مدیر دروس پس از توجیه معلمان، نمون برگ شماره 2 (نظر معلمان درسهای مربوط نسبت به وضعیت درسی دانش آموزان) را بعد از امتحانات نوبت اول در اختیار معلم مربوطه قرار دهد وحداکثر دو هفته قبل از شروع امتحانات نوبت دوم (در سال اول) جمع آوری کند وپس از انتقال به نمون برگ شماره 5 هر دانش آموز امتیاز رشته‌ها را محاسبه کند و مورد استفاده قرار دهد.

ماده 103: مشاور، پس از جمع بندی نتایج آزمون‌های استعداد و رغبت، نظر خواهی از معلمان، اولیا، دانش آموز و بررسی مدارک موجود در پرونده‌های تربیتی تحصیلی ونمرات مربوط، نمونه برگ شماره 5 را تکمیل ونظر خود را در هر یک از شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی در مورد دانش آموز با لحاظ اولویت‌ها در نمونه برگ شماره یک ثبت می‌کند.

تبصره در واحدهای آموزشی که مشاور به میزان مورد نیاز وجود ندارد بر اساس شیوه نامه‌ای که اداره کل مشاوره و بهداشت مدارس با هماهنگی سایر دفاتر ذیربط ابلاغ می‌کند نیروی انسانی مورد نیاز جهت انجام امور هدایت تحصیلی دانش آموزان تأمین خواهد شد.

ماده 104: معلمان به منظور بررسی وضعیت آموزشی دانش آموز در درس‌های مختلف با مشاور همکاری لازم را داشته باشند.

ماده 105: متصدی امور دفتری یا مسئول ثبت نمرات موظف است نمرات درس‌های مرتبط با شاخه‌ها و رشته‌ها و امتیاز بررسی‌های مشاوره‌ای را در نمونه برگ شماره یک هدایت تحصیلی ثبت و امضا کند.

ماده 106: مسئولیت حسن اجرای امر هدایت تحصیلی دانش آموزان و تأیید نهایی نمونه برگ شماره یک هدایت تحصیلی به عهده مدیر واحد آموزشی می‌باشد.

ماده 107: نمونه برگ شماره یک هدایت تحصیلی باید هم زمان با اعلام نتایج امتحانات خردادماه سال اول برای دانش آموز صادر شود و پس از تأیید و امضاء آن توسط مسئولان ثبت نمرات، مشاور و مدیر واحدآموزشی با دعوت از اولیاء دانش آموز در اختیار آنان قرار گیرد. در این فصل شرایط وی بررسی وپس از راهنمایی‌های لازم حداکثر تا پایان شهریور ماه مجدداً نسبت به تکمیل نمودن برگ شماره یک هدایت تحصیلی عنداللزوم اقدام خواهد شد.

ماده 108: ملاک‌های هدایت تحصیلی

الف: نمرات دوره راهنمایی تحصیلی و پایه اول متوسطه دانش آموز برابر نمونه برگ شماره یک هدایت تحصیلی (به میزان 50 امتیاز).ب: بررسی‌های مشاوره‌ای (به میزان 50 امتیاز)[[24]](#footnote-24)

ماده 109: ضوابط مربوط به نمرات درسی رشته‌ها و شاخه‌های مختلف

1- رشته ریاضی فیزیک:

1-1 – مجموع سه نمره پذیرفته شده خرداد یا شهریور هر یک از درس‌های ریاضی و علوم تجربی در سه پایه در دوره راهنمایی تحصیلی، بدون ضریب کمتر از 30 نباشد.

2-1 - نمره درس ریاضی (1) (پایه اول) دردوره متوسطه حداقل 12 باشد و درس فیزیک (1) و آزمایشگاه را با موفقیت (کسب حداقل نمره 10) گذارنده باشد.

3-1- مجموع نمرات درس‌های مرتبط با رشته دردوره راهنمای وپایه اول دوره متوسطه باید حداقل 96 باشد و یا به عبارت دیگر معدل درس‌های مرتبط با رشته از 12 کمتر نباشد.

2 - رشته علوم تجربی:

1-2- مجموع سه نمره پذیرفته شده خرداد یا شهریور هر یک از درس‌های ریاضی و علوم تجربی، در سه پایه در دوره راهنمایی تحصیلی، بدون ضریب کمتر از 30 نباشد.

2-2- در دوره متوسطه درس‌های ریاضی (1)، شیمی (1) و آزمایشگاه و علوم زیستی و بهداشت (درس‌های پایه اول) را با موفقیت (کسب نمره حداقل 10) گذرانده باشد و حداقل در یکی از سه درس مذکور نمره 12 اخذ کرده باشد.

3-2- مجموع نمرات درس‌های مرتبط با رشته در دوره راهنمایی و پایه اول دوره متوسطه باید حداقل 108 باشد یا به عبارت دیگر معدل درس‌های مرتبط با رشته از 12 کمتر نباشد.

3- رشته ادبیات و علوم انسانی:

1-3- مجموع سه نمره پذیرفته شده خرداد یا شهریور هر یک از درس‌های ادبیات فارسی (معدل درس‌های فارسی، دستور، املا و انشاء) و عربی در سه پایه در دوره راهنمایی تحصیلی، بدون ضریب کمتر از 30 نباشد.

2-3- در درس‌های ادبیات (1)، زبان فارسی (1)، عربی (1) و مطالعات اجتماعی پایه اول متوسطه نمره حداقل 10 را کسب کرده باشد و نمره درس ادبیات (معدل نمرات درس‌های ادبیات فارسی(1) و زبان فارسی (1) حداقل 12 باشد.

3-3- مجموع نمرات درس‌های مرتبط با رشته در دوره راهنمایی و پایه اول دوره متوسطه باید حداقل 120 باشد یا به عبارت دیگر معدل درس‌های مرتبط با رشته از 12 کمتر نباشد.

4- رشته علوم و معارف اسلامی:

1-4- مجموع سه نمره پذیرفته شده خرداد یا شهریور هر یک از درس‌های ادبیات فارسی (معدل درس‌های فارسی، دستور، املاء و انشاء) و عربی در سه پایه در دوره راهنمایی تحصیلی، بدون ضریب کمتر از 30 نباشد.

2-4 – در درس‌های ادبیات فارسی (1)، زبان فارسی(1) (که معدل آنها به عنوان نمره درس ادبیات در نمونه برگ ثبت می‌شود) عربی (1) و تعلیمات دینی و قرآن (1) نمره حداقل 10 را کسب کرده باشدوحداقل در یکی از دو درس عربی (1) یا تعلیمات دینی و قرآن (1) نمره 12 اخذ کرده باشد.

3-4- مجموع نمرات درس‌های مرتبط با رشته در دوره راهنمایی و پایه اول دوره متوسطه باید حداقل 120 باشد یا به عبارت دیگر معدل درس‌های مرتبط با رشته از 12 کمتر نباشد.

د- شاخه فنی و حرفه‌ای:

1-5- مجموع سه نمره پذیرفته شده خرداد یا شهریور هر یک از درس‌های ریاضی، علوم تجربی و حرفه و فن سه دوره راهنمایی بدون ضریب کمتر از 30 نباشد.

2-5- در دوره متوسطه از درس ریاضی (1) نمره حداقل 10 و از درس کارگاه خوداتکائی نمره حداقل 12 کسب کرده باشد چنانچه نمره درس کارگاه خوداتکایی دانش آموز کمتر از 12 باشد در هدایت تحصیلی وی منظور نمی‌شود.

3-4-مجموع نمرات با درس‌های مرتبط با شاخه، در دوره راهنمایی وپایه اول دوره متوسطه باید حداقل 132 باشد و در صورت عدم انتخاب یا حذف درس کارگاه خوداتکایی 120 باشد. یا به عبارت دیگر معدل درس‌های مرتبط با شاخه از 12 کمتر نباشد.

6- شاخه کار دانش:

1-6- مجموع سه نمره پذیرفته شده خرداد یا شهریور هر یک از درسها‌ی حرفه و فن و هنر، در سه پایه در دوره راهنمایی بدون ضریب کمتر از 30 نباشد.

2-6- در دوره متوسطه از درس کارگاه خوداتکایی نمره حداقل 10 کسب کرده باشد. چنانچه نمره درس کارگاه خوداتکایی دانش آموز کمتر از 10 باشد در هدایت تحصیلی وی منظور نمی‌شود.

3-6- مجموع نمرات درس‌های مرتبط با شاخه، در دوره راهنمایی و پایه اول دروه متوسطه دانش آموز در صورت انتخاب درس کارگاه خوداتکایی حداقل 70 و در صورت عدم انتخاب با حذف درس کارگاه خوداتکایی حداقل 60 باشد به عبارت دیگر معدل درس‌های مرتبط با شاخه از 10 کمتر نباشد.

4-6- دانش آموز برای ورود به برخی از رشته‌های مهارتی در شاخه‌ کاردانش علاوه بر احراز شرایط فوق‌الذکر باید ضوابط خاص رشته (در محدوده درس‌های پایه اول) را که معاونت آموزشی تعیین می‌کند کسب کند.

تبصره: نمرات دوره راهنمایی دانش آموزی که به دلایل موجه نظیر: شرکت در امتحانات جامع دوره راهنمایی، شرکت در امتحان تعیین پایه (موضوع ماده هفتاد (70) این آیین نامه، تحصیل در مدارس غیر ایرانی خارج از کشور، و بروز حوادثی از قبیل، سیل، زلزله، جنگ، آتش سوزی و ... فاقد نمرات پایه‌های اول و دوم و سوم راهنمایی تحصیلی است به شرح ذیل محاسبه می‌شود:

الف- چنانچه نمرات پایه اول یا دوم و یا هر دو پایه دوره راهنمایی موجود نباشد نمرات درس‌های مرتبط پایه سوم راهنمایی برای درس‌های همنام پایه‌های مذکور نیز منظور می‌شود و با رعایت سایر ضوابط در نمونه برگ شماره یک هدایت تحصیلی ثبت می‌گردد.

ب- چنانچه نمرات پایه سوم دوره راهنمایی موجود نباشد نمونه برگ شماره یک هدایت تحصیلی بر اساس نمرات درس‌های مرتبط پایه اول متوسط با رعایت سایر ضوابط تنظیم می‌شود.

ماده 110: بررسی‌های مشاوره‌ای مندرج در بند ب ماده یکصد و هشت (108) به شرح زیر می‌باشد:

با توجه به اهمیت بررسی‌های مشاوره‌ای که در طول تحصیل دانش آموز، از طریق گردآوری اطلاعات و به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود. 50 امتیاز به این قسمت اختصاص داده شده است. در این بررسی‌ها مشاور موارد زیر را در نظر می‌گیرد و امتیاز آن را محاسبه می‌کند.

|  |  |
| --- | --- |
| 1. نظر اولیای دانش آموز | 5 امتیاز |
| 2-نظر دانش آموز | 5 امتیاز |
| 3-نظر معلمان درس‌های مربوط | 10 امتیاز |
| 4-نتایج آزمونه‌ای رغبت و استعداد (هر کدام 10 امتیاز) | 20 امتیاز |
| 5- نظر مشاور بر اساس بررسی پرونده تربیتی تحصیلی | 10 امتیاز |

تبصره: هر یک از موارد یاد شده بر اساس شیوه‌ نامه‌های مربوط و جدول پیوست و با توجه به وظیفه مشاور در این خصوص تنظیم می‌شود.

ماده 113: کلید امتیازهای نمرات دانش آموز:

1-13- امتیاز هر یک از دانش آموزان به شرح زیر تعیین می‌شود و در نمونه برگ هدایت تحصیلی ثبت می‌شود. با در نظر گرفتن 50 امتیاز برای نمره‌ها، امتیاز هر یک نمره برابر 5/2 خواهد بود.

(امتیاز هر یک نمره 5/2=20:50) بدین صورت اگر دانش آموزی معدل نمراتش در شاخه یا رشته‌ای 15 باشد در مجموع، امتیاز نمره‌های وی در آن شاخه یا رشته برابر 5/37 خواهد بود.

(5/37=25/×15)

تبصره: در محاسبه امتیاز معدل تا یک رقم اعشار محاسبه درج شود.

کلیدهای امتیازهای آزمون:

2-13- اجرا، تصحیح، نمره‌گذاری و تفسیر نتایج آزمونهای مربوط به هدایت تحصیلی از وظایف مشاور است که در خصوص اجرای آزمونهای مذکور می‌تواند از همکاری سایر عوامل اجرایی واحد آموزشی بهره‌مند شود.

امتیازهای مربوط به آزمون شامل موارد زیر می‌باشد.

 آزمون رغبت 10 امتیاز (مطابق با شیوه‌ نامه مربوط)

 آزمون استعداد 10 امیتاز (مطابق با شیوه ‌نامه مربوط)

تبصره 2- امتیاز آزمون استعداد و رغبت رشته علوم و معارف اسلامی همانند رشته ادبیات و علوم انسانی می‌باشد.

تبصره 3- در مواردی که دانش‌آموز هیچ یک از درسهای هنر یا کارگاه خود اتکایی را انتخاب نکرده باشد امتیاز نظر معلم برای شاخه کاردانش به امتیاز نظر مشاور در نمودن برگ شماره 5 اضافه می‌شود.

#### 3-13- امتیازهای نمونه برگ نظر خواهی از دانش آموزان (5 امتیاز)

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| انتخاب اول | انتخاب دوم | انتخاب سوم | انتخاب چهارم | انتخاب پنجم | انتخاب ششم و انتخاب نکرده |
| پنج امتیاز | چهار امتیاز | سه امتیاز  | دو امتیاز | یک امتیاز | صفر امتیاز |

#### 4-113- امتیازهای نمونه برگ نظر خواهی از والدین (5 امتیاز)

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| انتخاب اول | انتخاب دوم | انتخاب سوم | انتخاب چهارم | انتخاب پنجم | انتخاب ششم و انتخاب نکرده |
| پنج امتیاز |  امتیاز | سه امتیاز  | دو امتیاز | یک امتیاز | صفر امتیاز |

#### 5-113- امتیازهای نمونه برگ نظر خواهی از معلمان (10 امتیاز)

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| عالی | خیلی خوب | خوب | متوسط | ضعیف | بی‌جواب |
| ده امتیاز | هشت امتیاز | شش امتیاز  | چهار امتیاز | دو امتیاز | صفر امتیاز |

ماده 114: هدایت تحصیلی دانش آموزان واحدهای آموزشی بزرگسالان، ایثارگران، استعدادهای درخشان، استثنایی، داوطلبان آزاد و دانش آموز تطبیقی تابع ضوابط خاص خود می‌باشد.

ماده 155- شیوه نامه اجرایی هدایت تحصیلی دانش آموزان توسط اداره کل مشاوره و بهداشت مدارس تنظیم و به استانها ابلاغ می‌شود.

موضوع: آئین نامه آموزشی دوره سه ساله متوسط روزانه (سالی- واحدی) موضوع بخشنامه شماره 00277/400-31/78 در جلسات 232 و 223 و 234 و 236 و 237 مورخ 4/78 و 5/5/97 و 11/5/79 و 25/5/79 و 8/6/79 مورد بازنگری قرار گرفت و در پنج فصل و 115 ماده و 96 تبصره و به تصویب گروه دوم شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش (هیأت اجرایی نظام جدید آموزش متوسطه) رسید، صحیح است به موارد اجرا گذارده شود (مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش 1386:505 الی 515)

# طبقه بندی نظریه‌های مشاوره:

گروهی از نظریه پردازان سعی کرده‌اندکه نظریه‌های مشاوره را در پیوستاری از نظریه‌های عاطفی و شناختی ارائه دهند و نظریه‌های رفتاری را در حد میانی این دو قرار دهند اما بهترین طبقه بندی مربوط به رادولف و تامسون[[25]](#footnote-25) (2003) می‌باشد که به جای یک پیوستار دو بعدی مدلی از روابط هماهنگ میان افکار، احساسات و رفتار به وجود می‌آورند. آنها با تمرکز بر روی نوع مداخله، 8 نظریه عمده مشاوره‌ای را به قرار زیر طبقه بندی می‌کنند:

عاطفی (احساس کردن) شامل: مشاوره مراجع محوری، گشتالت درمانی

رفتار (رفتار کردن) شامل: مشاوره رفتاری، واقعیت درمانی، روان شناسی فردی

شناختی (فکر کردن) شامل: رفتار درمانی عقلانی – عاطفی، رفتار درمانی شناختی، مشاوره روان تحلیل گری، و تجزیه و تحلیل مقابله‌ای (حسینی نژاد 1389؛ 142).

#  نظریه روان تحلیلی:

پس از درمان‌های پزشکی، نظریه روان کاوی[[26]](#footnote-26) «فروید» را شاید بتوان به عنوان شناخته شده‌ترین نظریه در مورد اختلالات معرفی نمود. در واقع این روش، موجب شد که برای اولین بار در تاریخ روان شناسی، احساسات و عواطف، مقام مهمی در حیات آدمی پیدا کرده و آنها را بخش منفی وجود آدمی به شمار نیاورند. این دیدگاه به انسان و آینده وی بدبین است؛ وروشی مبتنی بر گفتار است که با استفاده از گفتار، سعی دارد فرد را به بینش برساند تا از این طریق مسائل و مشکلات وی، تقلیل پیدا کند.روان تحلیل گری با نام «زیگموند فروید» عجین شده است اگر چه افرادی از قبیل «آنا فروید»، «کلاین»، «هورنای» و «اریکسون» نیز در این زمینه کارهای با ارزشی دارند. هسته مرکزی نظریه «فروید» درباره ذهن بشر، تأکید بر وجود دو نوع غریزه کلی است. طبق نظریه «فروید» این دو غریزه در تمام افراد وجود دارد:

غریزه زندگی: که انگیزه بشر برای لذت و خشنودی است. انرژی مربوط به این غریزه «لیبدو» یا «انرژی جنسی» نام دارد.

غریزه مرگ: غریزه‌ای ویرانگر و پرخاشگر است و هدفش از بین بردن زندگی است .این دو غریزه برای تمام فعالیت‌های روانی، حکم منبع انرژی را دارند. نظریه «فروید» نظریه‌ای جبری است. یعنی برای تمام رفتارها، حتی رفتارهای کم اهمیت، علت خاصی قائل است. نظریه روان تحلیلی شخصیت را به سه سیستم کلی تقسیم می‌کند: نهاد، خود و فراخود. نهاد تجلی عوامل ارثی است که در دنیای درون شخصیت فرد عمل می‌کند و لذا عمدتاً ناخودآگاه است. نهاد سیستم اصلی شخصیت تلقی می‌شود که ذاتی بوده واز بدو تولد وجود دارد. بسیاری معتقدند نهاد تحت سیطره اصل ذات است و به دنبال پرهیز از تنش و درد بوده ودر مقابل جویای ارضاء لذت است. به عقیده کوری (1989) نهاد فرزند سرکش شخصیت است. خود تنها عنصر منطقی شخصیت تلقی می‌شود و با دنیای واقعیت در تماس است. خود به خاطر همین تماس با واقعیت خواآگاهی را در کنترل دارد و عامل طرح ریزی و تفکر منطقی و واقع بینانه است. فراخود تجلی خودآگاهی ذهن است و بر اساس واقع گرایی اخلاقی عمل می‌کند. فراخود بازتاب استانداردهای اخلاقی فرداست که مبتنی بر برداشت او از اخلاقیات و ارزش‌های جامعه است. در این مثلث، فراخود به خاطر این که عمدتاً در نیمه آگاه قرار دارد بیش از همه به سائق‌های نهاد واقف است و بر آن است که خود را به سوی کنترل نهاد بکشاند. نتیجتاً نظریه روان تحلیل، تنش، کشمکش و اضطراب انسان را اجتناب ناپذیر می‌کند و لذا رفتار انسان را معطوف به کاهش این تنش می‌داند. لذاکاهش تنش در نظریه روان تحلیل یکی از اهداف عمده مشاوره است. چون تعارض شخصیت در تمام مردم وجود دارد، همه می‌توانند از مشاوره حرفه‌ای، (تخصصی) بهره‌مند شوند (گیبسون؛ میشل؛ ترجمه ثنایی. 1388 ؛168 – 169).

#  نظریه روان شناسی فردی:

 آموزش و پرورش، روان درمانی فردی و گروهی ومشاوره خانوادگی شد. آدلر نیز مانند فروید اعتقاد داشت، شش سال اول زندگی هر فرد تأثیر بسیار زیادی بر زندگی بزرگ سالی او دارد، ولی او تنها به کشف وقایع گذشته اکتفا نمی‌کرد؛ بلکه توجه او به ادراک فرد از وقایع گذشته و نحوه تعبیر و تفسیر او از این وقایع معطوف بود. به نظر آدلر اختلال‌های روانی؛ ناشی از یادگیری نامناسب ادراک‌ها وتصورات معیوب و منحرف است.

نظریه آدلر بر «احساس حقارت»[[27]](#footnote-27) متمرکز است. به نظر اواحساس حقارت نشانه نابهنجاری نیست، بلکه علت پیشرفت‌ها و موفقیت‌های انسان به شمار می‌اید. انسان به منظور غلبه بر احساس حقارت خود تلاش می‌کند تا خود را به جلو براند. هدف زندگی کمال جویی است نه لذت جویی. نظام درمانی آدلر بر یک دیدگاه اجتماعی و هدفمند مبتنی است. در این دیدگاه انسان موجودی خلاق؛ مسئول و در حال کامل شدن است. آدلر رفتار را تحت تأثیر تلاش‌هایی می‌دانست که درصد جبران احساس حقارت هستند. شیوه زندگی فرد یعنی ادراک فرد از خود است و زندگی تحت تأثیر احساس حقارت قرار می‌گیرد. اگر فرد قادر نباشد از احساس حقارت خود رهایی پیدا کند احساس ناکامی می‌کند. بنابراین فردی که به مشاور مراجعه می‌کند، بیمار نیست، بلکه فردی مأیوس و ناکام است که علایق اجتماعی مختلی دارد (کری[[28]](#footnote-28)، 2001 به نقل از خدایاری فرد 1387؛ 188 – 178).

از آنجا که تمایل اجتماعی یک قابلیت ذاتی تلقی می‌شود می‌یابد به صورت خود آگاه در طول زمان تکامل پیدا کند (منستر و کورسلین 1992). تمایل اجتماعی یا قدرت بده بستان از طریق تکالیف زندگی که تمام انسان‌ها درگیر آنند قابل رشد است. این تکالیف عبارتند از:

الف. اشتغال ب. جامعه ج. جنسیت

وقتی کسی به دنبال درمان می‌آید در یک یاچند زمینه از تکالیف زندگی احساس ناراحتی و ناهماهنگی می‌کند. لذا روند مشاوره ابزاری تلقی می‌شود که طی آن درمانگر و مراجع برای کمک به مراجع در حصول خودآگاهی و دست یافتن به رفتار و نگرش‌های سالم‌ تر با هم کار می‌کنند تا مراجع بتواند به کسب خودآگاهی و رفتار و نگرش‌های سالم ‌تر دست پیدا کند و در جامعه و در بعد مفیدتر زندگی فعال باشد. روند مشاوره‌ای آدلری مستلزم 4 مرحله است.

الف. ایحاد رابطه ج. بصیرت/ تعبیر و تفسیر

ب. تشخیص د. باز جهت گیری (لندرث،. ترجمه آرین. 1390، 40-39).

#  نظریه مراجع – محوری:

این نظریه اساساً به عنوان واکنشی در مقابل آنچه که محدودیت‌های اساسی روان تحلیل تلقی می‌شود توسط کارل راجرز وضع و توصیف شد. این رویکرد به علت نفوذ راجرز غالباً راجرزی خوانده می‌شود. رویکرد انسان – محوری بر مسئولیت وقابلیت مراجع برای یافتن راه‌های موجهه کامل ‌تر با واقعیت تأکید دارد. مراجع که خود را بهتر می‌شناسد کسی است که مناسب ‌ترین رفتار را برای خود پیدا می‌کند. رویکرد انسان محوری بر دنیای پدیداری تمرکز دارد. درمانگر با هم فهمی دقیق و سعی در درک مبنای داوری درونی مراجع؛ توجه خود را عمدتاً معطوف به ادراک مراجع از خود و جهان می‌کند. راجرز این فرضیه را عنوان می‌کند که نگرش‌های خاص درمانگر (صدق، گرمی و پذیرش غیر مالکانه و همفهمی دقیق) شرایط لازم وکافی برای درمانی را تشکیل می‌ دهند.

مراجع باشد و علاوه بر این تجربه کنون – اینجای ناشی از رابطه خود با مراجع تمرکز داشته باشد (کوری، 1992؛ به نقل از خدایاری فرد، 1389. 199).

به نظر راجرز (1997) برای ایجاد تغییر در شخصیت شش شرط زیر ضروری به نظر می‌رسند:

1. حضور دو شخص که با یکدیگر تماس روانی داشته باشند.

2. فرد اول یعنی مراجع، در یک حالت ناهماهنگی روانی به سر می‌برد.

3. فرد دوم یعنی مشاور، دارای هماهنگی روانی و یک پارچگی شخصیت است.

4. مشاور، نسبت به مراجع احترام مثبت و بدون قید و شرط ابراز می‌کند.

5. مشاور شناخت همدلانه‌ای نسبت به حالات درونی مراجع پیدا کرده وبا توجه به آن با مراجع به گفتگو می‌پردازد. او دنیای درون مراجع را همان گونه که هست احساس وتجربه می‌کند و آن را به مراجع نیز منتقل می‌نماید.

6. درک همدلانه مراجع و احترام مثبت و بدون قید و شرط، حتی اگر در حداقل آن به مراجع ابراز شود موجب پیشرفت او می‌شود. (خدایاری فرد 1387، 199). بنابراین دید الگوی مراجع – محوری نسبت به انسان مثبت یا خوش بینانه است. مراجع اساساً خود و صاحب قابلیت‌های خود شناسی، بصیرت، حل مشکل، تصمیم گیری، تغییر و رشد تلقی می‌شود نقش مشاور همانا تسهیل‌گر و منعکس کننده است مشاور خودشناسی مراجع را تسهیل می‌کند ونگرش‌ها و احساسات ابراز شده مراجع را تصریح و به او منعکس می‌نماید.

دریافت مراجع محوری، دادن اطلاعات برای حل مشکل معمولاً مسئولیت مشاور محسوب نمی‌شود مشاور مراجع محوری متر صد مداخله مستقیم در دنیای درونی مراجع هم نیست بلکه بیشتر در صدد ایجاد جوی است که مراجع در آن بتواند خود را تغییر دهد. در سال‌های اخیر، عنوان دیگری که همان نظریه خود باشد به جای عناوین سنتی مراجع محوری یا راجرزی اشاعه روز افزون یافته واین امر احتمالاً از تأکید بر تعالی خود، قابلیت خود و شکوفایی و ادراک خود شناسی شده است (لندرث، ترجمه آرین. 1389؛ 274 – 273).

# نظریه رفتاری:

در زمینه شرطی سازی کلاسیک یافت. مبانی رویکرد رفتاری بعدها از یک سیستم روان شناسی موسوم به رفتار گرایی گرفته شد. بنیان این سیستم جدید توسط روان شناسی آمریکایی جان، بی، واتسون (1923) گذاشته شد. این نظریه رفتار را مجموعه پاسخ‌های فرا گرفته شده نسبت به وقایع، تجارب یا محرکات تاریخچه زندگی فرد می‌داند. رفتار گرا معتقد است که رفتار را می‌توان با ایجاد تجارب و شرایط یادگیری مناسب، اصلاح کرد. مبانی تجربی رویکرد رفتاری، توجیه کننده بی تفاوتی رفتارگرا نسبت به مفاهیمی است که قابل مشاهده و اندازه گیری تجربی نیستند. بنابراین رفتار گرا به عوض توجه به پویاییهای عاطفی ویژگی‌های رفتاری که در رویکردهای مبتنی بر بصیرت خواه از نوع فرویدی یا راجرزی آن متداول است؛ برهدفهای رفتاری ویژه تمرکز دارد و بر روش‌های دقیق و قابل تکرار تأکید می‌ورزد. لذا مشاوره برای رفتار گرا مستلزم کاربرد منظم روش‌های گوناگون است که بر مبانی هدف‌های متقابلاً توافق شده مراجع و مشاور متوجه تغییر رفتار است روش‌های مورد استفاده گسترده و وسیعی از فنون بر گرفته شده از دانش مربوط به فرایندهای یادگیری را شامل می‌شود.

رهبران فعلی روان شناسی رفتاری، جان. دی. کرومبولنز[[29]](#footnote-29) و کارل شورسون[[30]](#footnote-30) این روش‌ها را در چهار مقوله قرار می‌دهند.

1. یادگیری عامل: این رویه مبتنی بر کاربرد تقویت و زمان بندی اعمال آن برای تغییر رفتار است تقویت کننده می‌تواند یاد داشت‌های ملموس باشد و یا به صورت تأیید با توجه ابراز شود.

2. یادگیری تقلیدی: این رویکرد کسب پاسخ‌های جدید را با عرضه سر مشق‌هایی تسهیل می‌کند که به رفتار مطلوب مبادرت می‌ورزند.

3. یادگیری شناختی: این تکنیک صرفاً با آموزش روش‌های بهتر تطابق باعث یادگیری پاسخ‌های مناسب می‌گردد.

4. یادگیری عاطفی: مستلزم جایگزین کردن پاسخ‌های عاطفی مورد قبول با واکنش‌های عاطفی نا مطلوب وبا استفاده از فنون بر گرفته شده از شرطی سازی کلاسیک است.

از دید رفتار گرا نتایج مشاوره باید به صورت تغییر رفتارهای آشکار قابل مشاهده باشد (گیبسون؛ میشل؛ ترجمه ثنایی. 1388؛ 175).

از نقطه نظر کالیس[[31]](#footnote-31) مهم ‌ترین مشکلی که مردم دارند نارسایی در رفتار است و سه عامل موجب این نارسایی می‌شود: فقدان تجربه؛ ادراک تحریف شده، اشتباه در تعمیم. او معتقد است هیچ روش مشاوره‌ای به تنهایی نمی‌تواند در تصحیح بی کفایتی‌های رفتاری مراجع مؤثر باشد بلکه باید به اقتضای هر یک از مشکلات روش مشاهده‌ای خاصی انتخاب شود، اگر مشکل فقدان تجربه باشد روش مشاهده مستقیم باید استفاده شود. در حالیکه اگر مشکل ادراکی تحریف شده یا تصمیم غلط باشد؛ باید از روش غیر مستقیم استفاده شود (حسینی 1378؛ 314).

کرومبولتز (1986) سه ملاک برای اهداف مشاوره عنوان می‌کند:

1. اهداف مشاوره را باید بتوان به صورت متفاوتی برای هر فرد مراجع بیان کرد.

2. اهداف مشاوره برای هر مراجع باید هماهنگ و نه لزوماً منطبق بر ارزش‌های مشاور باشد.

3. این که هر مراجع تا چه حد به اهداف موردنظر مشاوره رسیده باید قابل مشاهده باشد.

فرض مشاوری که نظریه رفتاری را به کار می‌برد آن است که رفتار مراجع معلول شرطی سازی است و هر فردی بسته به آنچه فرا گرفته نسبت به محرک یاشرایط معین به شیوه‌ای قابل پیش بینی واکنش نشان می دهد. به نظر هورن[[32]](#footnote-32) (1989) بدیهی است که هدف مشاوره رفتاری معطوف به تصمیم گیری اتخاذ یک تصمیم است. پاترسن عنوان می‌کند. هدف رفتار درمانی ایجاد مجموعه کاملی از اصول روان شناختی است. که از اولین مرحله عرض حال بیمار تا هنگام مرخصی او به کار گرفته می‌شود. این امر مستلزم روش‌های منظم جمع آوری اطلاعات به مظور ارزیابی مشکلات بیمار و تصمیم گیری در مورد برنامه درمان است. چارچوب مبتنی بررفتار گرایی مستلزم آن است که درمانگر:

1. مشکل را موضع یابی کند.

2. عرض حال اولیه بیمار را به زبان یک مجموعه سؤالات متناسب با تکنولوژی رفتاری امروز ترجمه نماید (هورن 1979؛ 226 – 225 به نقل از گیبسون؛ میشل؛ ترجمه ثنایی. 1388، 176).

#  نظریه منطقی – عاطفی:

نهضت درمان منطقی – عاطفی توسط آلبرت[[33]](#footnote-33) الیس به وجود آمده است. این نظریه متکی است بر این فرض که انسان می‌تواند به شیوه‌ای منطقی عمل کند. رفتار منطقی رفتاری مفید و بالقوه ثمر بخش تلقی می‌شود در حالی که رفتار غیر منطقی به ناخرسندی و بطالت منجر می‌گردد. فرض الیس بر این است که بسیاری از انواع مشکلات عاطفی نتیجه الگوهای تفکر غیر منطقی است. الگوهای غیر منطقی از همان اوایل زندگی توسط اشخاص مهم زندگی فرد و کل فرهنگ و جامعه تقویت می‌شود. بنا به نظر الیس، اشخاص دچار مشکلات عاطفی به منظومه باوری می‌رسند که باعث تکلم مکنون و با خودگویی‌های مبتنی بر مفروضات و منطق غلط منجر می‌شود و آنچه که فرد با خود می‌گوید رابطه نزدیکی با احساس و عمل او دارد.

مبنای اساسی نظریه پردازی الیس در الگو AB.CD به شرح زیر خلاصه می‌شود.

A: مربوطه به یک واقعه خارجی است که شخص مشمول آن قرار می‌گیرد.

B: مربوط به سلسه افکار یا با خودگویی هایی است که شخص در پاسخ واقعه خارجی بدان می‌پردازد.

C: به احساسات و رفتارهای ناشی از B مربوط می‌شود.

D: به تلاش درمانگربرای تغییر سلسله افکار با خودگوییها بر می‌گردد.

E: پیامدهای رفتاری و عاطفی مفروض ناشی از مداخله درمانی درمانگر است.

به طور خلاصه مشاوره منطقی – عاطفی مبتنی بر این فرض است که اکثر افراد جامعه دچار روش‌های متعدد افکار غیر منطقی می‌شوند. همین افکار غیر منطقی به رفتارهای غیر منطقی منجر می‌گردد. لذا هدف مشاوره باید کمک به اشخاص جهت شناسایی و تغییر همه عقاید غیر منطقی باشد. تحقق این هدف مستلزم وجود مشاوری فعال موجه و مقتدر است که بتواند از یک مجموعه فنون گوناگون استفاده کند (هانس و دیگران 1990، 173 به نقل از گیبسون، میشل. ترجمه ثنایی. 1388. 175).

در روش منطقی – عاطفی مشاور بیشتر یک معلم و مراجع بیشتر یک دانش آموز تلقی می‌شود و روش‌های مشاوره نه فقط شامل تدریس و فعالیت‌های وابسته به آن مانند مطالعه یا سایر تکالیف، بلکه سؤال کردن وزیر سؤال بردن حتی تاکتیک‌های مواجهه، عقد قرار داد، تلقین و ترغیب را هم شامل می‌شود. مشاوره منطقی – عاطفی را می‌توان نه فقط در درمان فردی بلکه در گروه درمانی، گروه‌های مواجهه ماراتون، مشاوره زناشویی و خانواده درمانی هم به کار گرفت. (گیبسون؛ میشل؛. ترجمه ثنایی.1388؛ 177: 178).

مبنای بنیادی درمان عقلانی – عاطفی و رویکردهای هم خانواده آن این دیدگاه است که واکنش‌های عاطفی و رفتاری انسان را باورهای اشخاص هدایت می‌کنند. فرایند رشد اجتماعی، بسیاری از باورها و ارزش‌هایی را که فرد نسبت به آنها هوشیار نیست و به روشنی بیان نشده‌اند (مانند آزادی، انصاف و حقوق فردی)، به وی تحمیل می‌کنند؛ بنابراین اشخاص به بسیاری از باورهای مهم دیگر به صورت آشکار معتقدند و با توجیه عمل خود از آنها استفاده می‌کنند (حسینی نژاد 1389؛ 151).

#  نظریه واقعیت درمانی:

نظریه واقعیت درمانی توسط ویلیام گلسر[[34]](#footnote-34) تدوین شده است. رویکرد گلسر یک رویکرد نسبتاً صریح است که در آن مراجع برای پرداختن به نیازهایش از طریق یک روند منطقی یا واقع بینانه اعتقاد دارد. مشاوره از دید واقعیت درمانی صرفاً یک نوع تعلیم یا کارآموزی ویژه است به فرد آنچه را که باید طی رشد طبیعی خود فرا گیرد در یک مدت زمان نسبتاً کوتاه بیاموزد.

واقعیت درمانی از بسیاری جهات به گشتالت درمانی و درمان مراجع – محوری شباهت دارد. در همه نظریه‌های یاد شده نحوه دریافت واقعیت از سوی مراجع و شیوه ارزشیابی درونی او از واقعیت مورد تأکید قرار می‌گیرد. به نظر گلاسر، مراجع در دنیای بیرونی (دنیای واقعی) و درونی خود زندگی می‌کند و دنیای واقعی بر رفتار فرد تأثیر نمی‌گذارد، بلکه دریافت و ادراک او از دنیای واقعی بر رفتار او تأثیر گذار است. انسان آزاد است و توان انتخاب دارد و باید مسئولیت پیامد انتخاب‌های خود را بر عهده بگیرد. در این روش درمانی، مواجه شدن با واقعیت، مسئولیت ‌پذیری و ارزشیابی در مورد رفتارهای درست نادرست مورد تأکید قرار می‌گیرد. فرد نه تنها در مقابل اعمال خود، بلکه در برابر تفکرات واحساسات خود نیز مسئول است. فرد قربانی گذشته و حال خود نیست، مگر این که خود بخواهد. این رویکرد درمانی هم در مورد رفتارهای بهنجار و هم در مورد رفتارهای نابهنجار و هم در مورد تدوین شیوه‌های مناسب تعلیم و تربیت به کار می‌رود (خدایاری فرد 1387؛ 207).

واقعیت درمانی بر رفتار فعلی تأکید دارد و لذا به تاریخچه گذشته مراجع تکیه نمی‌کند. واقعیت درمانی بر این فرض مبتنی است که در سراسر زندگی یک نیاز روانی وجود دارد: نیاز به هویت (که شامل نیاز به احساس منحصر به فرد بودن، مجزا بودن و متمایز بودن) است. نیاز به هویت به عنوان محرک رفتار در تمام فرهنگ‌های عمومیت دارد.واقعیت درمانی مبتنی بر این پیش بینی است که مراجع مسئولیت شخصی سلامت خود را خواهد پذیرفت. قبول این مسئولیت به یک معنا به شخص برای حصول استقلال و یا بلوغی کمک می‌کند که نتیجه آن اتکا به حمایت درونی خود اوست. گلسر معتقد است که آموزش و پرورش می‌تواند کلید روابط انسانی موثر باشد و در کتاب مدارای بدون شکست، برنامه حذف شکست، تأکید بر تفکر به عوض کار حفظی، طرح ایده مرتبط بودن برای برنامه درسی قرار دادن انضباط به جای تنبیه، ایجاد محیط یادگیری یعنی جایی که کودک بتواند تجارب موفق و منتهی به هویت موفق خود را به اوج برساند. ایجاد انگیزش، درگیر شدن، کمک به کسب رفتار مسئولانه دانش آموز و برقراری شیوه‌های فعال شدن والدین و جامعه در مدارس را عنوان کرده است. کری رویکرد واقعیت درمانی را چنین خلاصه می‌کند: یک درمان فعال، دستورالعملی، آموزشی، شناختی و رفتار – محورانه اغلب از روش عقد قرارداد استفاده می‌شود و هنگامی که قرارداد انجام شد درمان خاتمه می‌یابد. این رویکرد می‌تواند هم حمایتی و هم مواجه ای باشد از سؤالات چه و چطور ولی نه از سؤالات چرااستفاده می‌شود (کری 1987؛ 49 به نقل از لندرث، ترجمه آرین. 187، 1389، 189).

# نظریه تحلیل مراوده‌ای:

تحلیل مراوده‌ای یک رویکرد رفتاری – شناختی و مبتنی بر این فرض است که انسان از قابلیت انتخاب و تصحیح مسیر یا دوباره شکل دادن سرنوشت خود برخوردار است. این نظریه برای کمک به مراجعان جهت مرور وارزیابی تصمیمات اولیه و اتخاذ تصمیمات جدید و مناسب ‌تر تدوین شده است. تحلیل مراوده‌ای تکیه زیادی بر خود دارد که بنا به این نظریه دارای سه حالت والد، بالغ و کودک است.

در تحلیل مراوده‌ای، از پرسش‌نامه، نمایش‌نامه زندگی، تحلیل ساختی، نقش بازی، تحلیل بازی‌ها استفاده می‌گردد. تحلیل مراوده‌ای بر فرد متمرکز است اما روشی است که طی آن مشاوره فردی در محیط گروه صورت می‌گیرد. مشاوره روش تحلیل مراوده‌ای بر آن است که گروه روند عرضه بازخورد به اشخاص در مورد مناسبات و روابط آنان را تسهیل می‌کند. لذا گروه مشاوره‌ای تجلی جهان کوچکی از عالم واقعی است. در این محیط تک تک اعضای گروه برای کار روی اهداف خود حضور دارند و نقش مشاور در گروه رهبری آنان است (لندرث، ترجمه ارین. 1389، 111، 112).

نام دیگر این نظریه، نظریه تحلیل رفتار متقابل[[35]](#footnote-35) است که توسط اریک برن[[36]](#footnote-36) عنوان شده است. در این روش تأکید ضروری بر رفتارهای متقابل است که آن را برای کار خانواده ومهارت‌های اجتماعی و رفتارهای اجتماعی و رفتارهای ضد اجتماعی و برخی از مشکلات فردی، مناسب می‌سازد. گرچه محدودیت‌های فنی سبب می‌شود که این روش برای درمان مشکلاتی که به راه حل‌های اضطراری نیاز دارند (نظیر گرایش به خشونت) به کار نبریم.در این روش درمانی، مقدار زیادی اصطلاح تخصصی غیر ضروری وجود دارد. در این روش برای تفسیر ومرور ذهنی، تسلط بر مفهوم‌های پیچیده بازی‌ها و تمرین‌های مربوطه، لازم است. این موضوع، مستلزم آموزش‌های تخصصی است و از این رو کاربرد این روش‌ها را محدود می‌سازد.

از سوی دیگر مبنای نظری و تصوراتی که در این روش درمانی به کار گرفته شده به عنوان ابزاری تحلیلی، انگیزاننده بسیار سودمند است. در روش درمانی تحلیل رفتار متقابل به تأکیدی به جا، بر اهمیت «خود پنداره» در شیوه‌های تعیین کننده تعامل بین کودکان و دیگران بر می‌خوریم. این روش به علت تأکید مشابهی که به شناخت و باورهای تغییر پذیر دارد، به ایجاد ابراز وجود و توانایی شخصی در تعامل‌ها تأکید دارد. برای اجرای این روش، شرایط ویژه‌ای نیاز نیست و می‌توان آن را در مورد طیف وسیعی از افراد در سن‌های متفاوت و با مشکلات مختلف و هم چنین به صورت فردی یا گروهی به کار برد؛ اجرای این شیوه در مقایسه با شیوه‌های دیگر، نگرانی‌های اخلاقی یا حرفه‌ای ایجاد نمی ‌کند. (حسینی نژاد 1389؛ 150 – 149).

#  نظریه و مشاوره گشتالتی:

گشتالت درمانی از روش‌های مشاوره است که فردریک پرلز[[37]](#footnote-37) (1970 -1893) و همسرش لورا[[38]](#footnote-38) آن را ارائه دادند. آنها از مکاتب اصالت وجود، پدیدار شناسی و روان شناسی گشتالت تأثیر گرفته بودند. در مکتب اصالت وجود، بر تجارب زمان حال فرد، در روان شناسی گشتالت بر ادراک و کلی نگری و در پدیدار شناسی بر ادراک فرد از هستی واقعیت تأکید می‌شود. در حالی که گشتالت درمانی، ضمن توجه به اهمیت تجربه، ادراک فرد از هستی خود در زمان حال، بر ارگانیزم، به عنوان یک کل، هم چنین چگونگی ارتباط ارگانیزم با محیط و چگونگی کسب تجربه از جانب فرد تأکید می‌شود.

گشتالت درمانی بر افکار و احساسات و برداشت فرد از دنیا در زمان حال تمرکز دارد وبه گذشته‌ی فرد توجهی ندارد. در این روش بیش از این که به گفنگوهای انتزاعی در مورد وقایع وموقعیت‌های مختلف توجه شود بر ایجاد زمینه برای تجربه مستقیم تأکید می‌شود. در گشتالت درمانی درمانگر به مراجع کمک می‌کند که رفتارهای اجتنابی را به سطح آگاهی بیاورد تا بدین وسیله حالت تعادل در فرد ایجاد شود. زیرا هنگامی که فرد از امیال، تحریکات و عواطف ناخواسته خود مطلع شود می‌تواند بامحیط تعادل مناسب‌ تری داشته باشد. توجه به مکان و زمان موجود (حال) و ایجاد حداکثر آگاهی اساس گشتالت درمانی است. فرد پس از کسب آگاهی قادر خواهد بود به کمک اصول گشتالت رابطه بین مشکل و زمینه را وسعت بخشد و موقعیت‌های ناتمام را تشخیص داده و در صدد اصلاح آن برآید. منظور از موقعیت‌های نا تمام، نیازهای ارضا نشده‌ای است که معمولاً فشار روانی زیادی بر فرد وارد می‌کند و رفتارش را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کری 2005. به نقل از خدایاری فرد 1387؛ 201).

روانشناسی گشتالت یک شیوه درمانی است که مشاور طی آن به مراجع برای حصول یک پارچه خود و آموختن طرز استفاده از انرژی خود برای رشد، کمال و خودشکوفایی کمک می‌کند. هدف عمده مشاور گشتالتی یکپارچگی فرد است و این امر را بنا به اصطلاح متدوال می‌توان منسجم کردن کل وجود قلمداد کرد. مشاور برای رسیدن به انجام وجود متر صد آن است که خودآگاهی مراجع را افزایش دهد. در نتیجه مشاور به شیوه‌ای عمل می‌کند که مراجع در اتمسفری قرار گیرد که به کشف نیازهای او و شرایطی منجر شود که مراجع در آن شرایط می‌تواند شناخت و رشد لازم را پیدا کند.مشاور گشتالتی بر این باور است که مردم همواره در راستای سازماندهی محرک‌ها در قالب تصاویر کلی یا کل‌ها عمل کنند. تمرکز این نظریه بر خودآگاهی نسبت به تجارب کنون اینجایی است. هانس استوسک و وارنر[[39]](#footnote-39) (1986) سه اصل تبیین کننده این روند را بیان کرده‌اند:

اصل بندش: وقتی که ما تصاویر ناقصی دریافت می‌کنیم ذهن ما برای تکمیل کردن آن و ادراک آن به صورت کامل فعال می‌شود.

اصل مجاورت: فاصله نسبی محرک‌ها از یکدیگر در حیطه ادراکی مشخص کننده چگونه دیدن آنهاست.

اصل مشابهت: محرک‌هایی حیطه ادراکی باعث می‌شود ما آنها را با هم گروهبندی کنیم.

پارسونز[[40]](#footnote-40) (1985) هشت فریضه درباره ماهیت انسان بر می‌شمارد که مبنای مشاوره گشتالتی را تشکیل می‌دهند:

1. انسان یک کل متشکل از اجزای به هم مرتبط است. هیچ یک از این اجزا بدن، عواطف، افکار حواس و ادراکات را نمی‌توان خارج از بافت کل انسان درک کرد.

2-انسان جزئی از محیط خویش است وجدای از آن قابل درک نیست.

3. انسان طرز پاسخ خود را به محرک‌های درونی وبرونی انتخاب می‌کند، انسان کنش گراست نه واکنش گرا.

4. انسان از قابلیت خود آگاهی کامل نسبت به حواس، افکار، عواطف و ادراکات خود برخوردار است.

5. انسان به علت خودآگاهی قادر به انتخاب است.

6. انسان از قابلیت اداره مفید زندگی خود برخوردار است.

7. انسان نمی‌تواند گذشته و آینده را تجربه (ادراک واحساس) کند او فقط می‌تواند خود را در زمان حال تجربه کند.

8. انسان اساساً نه خوب و نه بد است.

می‌توان چنین نتیجه گرفت که درمانگر گشتالتی نسبت به قابلیت انسان برای خود رهبری، نظریه مثبت دارد. علاوه بر این باید مراجعان را برای استفاده از این قابلیت وقبول مسئولیت زندگی خود تشویق کرد و آنها باید کار را هم اینک در زمان حال انجام دهند باید «اکنون و اینجا» را تجربه (ادراک و احساس) کنند (گیبسون، میشل. ترجمه ثنایی. 1388؛ 183 – 182).

#  نظریه لوگوتراپی:

نظریه لوگوتراپی یا معنا درمانی نیز توسط ویکتور فرانکل در اتریش پی ریزی شد. گذشته از نظریه لذت جویی فروید و قدرت طلبی آدلر؛ فرانکل معنی خواهی از زندگی را جهت کمک به افراد برای یافتن معنی از دست رفته در زندگی مطرح نمود.

مطابق این نظریه؛ افراد دارای ابعاد جسمی؛ روانی و روحی می‌باشند که دارای اختیار و اراده بوده و مسئول یافتن معنی در حیات می‌باشند. و اگر افراد دچار پوچی درونی و خلاء وجودی شوند؛ نمیتوانند هدف زندگی را تشخیص داده و رفتار مطلوب داشته باشند. بنابراین روش‌های زیر را پیشنهاد می‌دهد:

انجام یک کار بزرگ و کسب موفقیت جهت احساس وجود و لذت معنوی و یا احساس رنجش جهت مفهوم بخشیدن به مرگ و شکست؛ تمسخر اضطراب ساختگی جهت غلبه بر آن واز بین بردن ترس و نگرانی ناشی از ناتوانی در برآوردن توقعات و انتظارات سایرین تا شخص به زندگی خود آگاهی یابد و با هدفمند کردن آن به زندگی معنی دهد. (نقل از یزدی 1390).

# نظریه‌های تلفیقی:

یکی از نظریه‌های تلفیقی، نظریه مشاوره و روان درمانی شکوفنده (متعلق به برامر و شوستروم[[41]](#footnote-41) (1994) است که یک رویکرد سنتزی خلاق به نظریه مشاوره و رشد انسان است. مشاوره شکوفنده مبتنی بر مفروضات زیر است.

1. هر فردی با وجود آن که در ماهیت انسانی با سایرین وجه اشتراک زیادی دارد اما یک انسان بی مانند است.

2. با وجود کیفیت آینده نگر اصل شکوفندگی به معنی شدن، تحقق آن در فرایند لحظه به لحظه رشد صورت می‌گیرد.

3. تعیین کننده رفتار انسان بیش از آن که وقایع (درونی وبیرونی باشد) تلقی شناختی خود فرد از آنهاست.

4. فرض فرایند شکوفندگی بر این است که آینده فرد عمدتاً جبری نیست و فرد آزادی بسیار زیادی برای انتخاب دارد.

5. قبول فرض آزادی طبعاً مسئولیت خود شکوفایی را بر عهده خود فرد می‌گذارد. با وجودی که رشد در یک بافت اجتماعی صورت می‌گیرد اما هر کس خود به تنهایی مسئول زندگی خویش است.

6. بااین که برخی از رفتارهای اولیه بازتابی و طبعاً جبر ژنتیکی و بعضی از رفتارها هم نتیجه تغییرات شیمیایی و نرولوژیکی است اما یکی از فرضیات اساسی مشاور شکوفنده آن است که رفتار اجتماعی اکتسابی است و رفتار متعاقب یکفرایند یادگیری فعال تغییر می‌کند.

7. اکثر یادگیری‌های انسان خود به خود (اتوماتیک) نیست بلکه به واسطه فرایند‌های شناختی از قبیل رمز گذاری نمادین و توجه انتخابی صورت می‌گیرد.

8. شکوفندگی عمدتاً در تعامل اجتماعی با مشاور، مرشد، گروه، دوست یا خانواده صورت می‌گیرد اما از طریق روش‌های خود یار از قبیل مراتبه وتصور هم؛ عملی است. تعامل اجتماعی وسیله اصلی لوازم شکوفندگی مانند صادق بودن با احساس خود، خودآگاه بودن آزادی بیان و اعتقاد به خود و دیگران است.

9. همان طور که تغییر یک نفر باعث تغییر دیگران می‌شود بین افکار، عواطف و اعمال هم تعامل متقابل صورت می‌گیرد فرد یاد می‌گیرد که کدام عامل، فکر، احساس یا عمل منجر به فرایند تغییر می‌شود. فرد برای رسیدن از قصد به عمل باید خود آگاهی و نیت را پشت سر بگذارد تا به تعهد برسد.

10. هر شخصیتی دارای حالت اضدادی تضادهای قطبی است که در فرایند شکوفندگی بارز به خود آگاهی وعمل تحصیل می‌شود. نمونه این تضادها اتکا و استقلال محبت و پرخاشگری حمایت و خرده گیری است (برامر و شوستروم 1989 به نقل از گیبسون؛ میشل؛ . ترجمه ثنایی. 1388؛ 184: 185).

# نظریه و مشاوره التقاطی:

کلمه و عنوان التقاطی برای اولین بار در توصیفات آیزینک مورد استفاده قرار گرفت. این اصطلاح اغلب هنگام گفتگو در مورد ائتلاف یا یک پارچه سازی و ائتلاف گرایی به کار گرفته می‌شود. در حالی که از لحاظ معنی ومفهوم تفاوت‌های مهمی بین آنها وجود دارد. شاید بسیاری از درمانگران بالینی انعطاف پذیر باشند و به صورت التقاطی با درمانجویان خودشان رفتار کنند. اما در مورد همه درمانجویان نمی‌توان یا شیوه یکسان و با تجربه‌ای واحد عمل کرد (گلدبرگ، 2006). هم چنین از لحاظ نظری نیز این نکته که چگونه مشاوران می‌توانند به طور کلی به یک مکتب درمانی خاص وفادار باشند؟ دشوار می‌نماید. در حالی که با توجه به گونا ‌گونی انسان‌ها و پیچیدگی ذات انسانی قطعاً امکان پذیری حصول یک نظریه جامع در مورد ماهیت وهم چنین ماهیت بد کار کردی‌ها و نیز درمان، را دچار چالش می‌کند. اگر همه تفاوت‌های موجود میان الگوهای مختلف را بپذیریم، آن چه که مشاوران را در ارتباط با نظریه‌ها واقعاٌ به چالش وا می‌دارد به علت کم بودن شواهد ویافته‌های قابل قبول از نتایج آنها است (لوبورسکی، ولابورسکی[[42]](#footnote-42) 1985).

در سال‌های اخیر تمایل به استفاد ه از رویکردهای تلفیقی در بین مشاوران و روان درمانگران افزایش یافته است. بر طبق بررسی‌های نورکراس و نیومن[[43]](#footnote-43)(2002) در حدود 30-50 در صد روان شناسی بالینی و مشاوران از روش‌های التقاطی یا تلفیقی استفاده می‌کنند، به نظر آنها عوامل زیر موجب ترغیب مشاوران و روان شناسان در به کارگیری روش‌های التقاطی شده‌اند:

1. فراونی روش‌های درمانی.

2. عدم کفایت یک تئوری منفرد در ارتباط با همه مشکلات و همه مراجعان.

3. تمایل به استفاده از روش‌های درمانی که سریع به نتیجه می‌رسند و متمرکز بر مشکل هستند.

4. ایجاد موقعیت برای مشاهده وتجربه روش‌های درمانی گوناگون.

5. کمبود تأثیر به کارگیری یک روش درمانی در فرایند درمان.

6. شناسایی بخش‌های مختلف روش‌های درمانی که در کسب فرایند درمان مؤثرند (خدایاری فرد 1387؛ 231 – 230).

برامر وشوستروم (1992) توصیه می‌کنند که هر مشاور وروان درمانگر باید نهایتاً دیدگاهی پیدا کند که منحصراً دیدگاه خود اوست و این که مشاور یا روان درمانگر می‌تواتند یکی از این سه موضع را اتخاذ کند:

- بایکی از نظریه‌های منشر شده و امتحان داده همانند سازی کند.

- یک موضوع التقاطی برای خود بسازد.

یا شخصاً برای سنتر خلاقی از نظریه و کاربرد بکوشد (گیبسون؛ میشل؛ ترجمه ثنایی. 1388؛ 187: 186).

#  پیشینه تحقیقات داخلی:

فرشاد (1381) در رساله خود با عنوان بررسی تأثیر برنامه راهنمایی و مشاوره در انتخاب رشته‌های تحصیلی به ویژه رشته‌های فنی مشخص نموده که بدون وجود برنامه راهنمایی و مشاوره در مدارس راهنمایی، نمی‌توان اطلاعات تحصیلی دقیقی به دانش آموزان داد و اجرای برنامه راهنمایی و مشاوره در سال سوم راهنمایی موجب شناخت رشته‌های تحصیلی به ویژه رشته‌های فنی خواهد شد و این برنامه‌ها در میزان تمایل آزمودنی‌ها به انتخاب رشته‌های فنی موثر بوده است .

در تحقیقی که توسط دفتر مشاوره و تحقیق آموزش و پرورش در سال (1383) با هدف برنامه‌ریزی جهت هدایت و راهنمایی شغلی نوجوانان در تهران انجام گرفت مشخص شد انتخاب گروههای مختلف شغلی در دختران و پسران متفاوت است همچنین نوجوانان برای انتخاب شغل اطلاعات لازم و مکفی ندارند و در نهایت این که بین انتخاب رشته تحصیلی با شغل مورد نظر نوجوانان رابطه وجود دارد.

عباسی (1383) از دفتر مشاوره و تحقیق و نظارت آموزش و پروش تحقیقی تحت عنوان ارزشیابی عملکرد مشاورین و دبیران راهنما در نظام جدید آموزش متوسطه در بیست استان کشور انجام داد و یافته‌های تحقیق نشان داد که بین جنسیت دانش آموزان و انتخاب رشته تحصیلی، بین طرز برخورد مشاور با دانش آموزان و انتخاب مرجع حل مشکل، بین رضایت‌مندی والدین از فعالیت‌های مشاوران رابطه معناداری وجود دارد.

الماسی (1385) در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه بین اعتماد به نفس و انتخاب رشته تحصیلی در بین دختران و پسران سال دوم نظام جدید دریافت که بین اعتماد به نفس و انتخاب رشته تحصیلی در میان دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

سلیمی (1385) در رساله خود با عنوان تأثیر راهنمایی و مشاوره شغلی گروهی بر رغبت‌های شغلی و اولویت‌های شغلی دانش آموزان دختر و پسر تغییر ایجاد می‌کند اما این جلسات در اولویت‌های تحصیلی دانش آموزان تغییری نداشته و نهایتاً این که جلسات گروهی در اولویت‌های شغلی پسران تغییر ایجاد نمود اما در مورد دختران اینگونه نبوده است.

خسروی راد (1385) در بررسی ارزشیابی ملاک‌های هدایت تحصیلی نظام جدید آموزش متوسطه در جامعه دانش آموزان دبیرستان‌های نیشابور نتیجه گرفت که علاقه دانش آموزان به دروس خاص، آرزوهای شغلی، والدین، استعداد دانش آموزان، ارزش اجتماعی رشته تحصیلی بیشترین تأثیر را در انتخاب رشته تحصیلی دارند و عواملی نظیر بازدید از مؤسسات و کارخانه‌ها مطالعه بانک اطلاعات شغلی و شانس کمترین تأثیر را در انتخاب رشته دارند.

موسوی (1386) در تحقیقی با عنوان عملکرد مشاوران در حل مشکلات دانش آموزان دختر تهران نتیجه گرفت که تعداد زیاد دانش آموزان و فرصت کم مشاور مانع جدی کار مشاوره است و باید جهت کارایی بیشتر در تعداد مشاوران به نسبت دانش آموزان تجدید نظر شود و قوانین و مقررات دست و پا گیر که مانع کار مشاوره است باید تصحیح شود.

مظفری ( 1386 )تحت عنوان بررسی فعالیت مشاوران مدارس نظام جدید آموزش متوسط در شهر تهران انجام داد مشخص گردید که با 95% اطمینان فعالیت مشاوران در زمینه‌های هدایت تحصیلی- شغلی و... مورد تأیید مدیران و دانش آموزان بوده است.

بشیری وثیق (1382) با تحقیقی تحت عنوان بررسی چگونگی تأثیر شاخص‌های هدایت تحصیلی در انتخاب رشته دانش آموزان همدان نتیجه گرفت که میزان همبستگی بین نتایج تست‌ها و نمرات پیشرفت تحصیلی در دو رشته علوم تجربی و ریاضی فیزیک معنادار بود به علاوه محاسبات مشخص کرد که بین نمره‌های پیشرفت تحصیلی و امتیازات مشاوره‌ای دانش آموزان در رشته‌های انسانی، تجربی و ریاضی رابطه معناداری وجود دارد.

فولادی (1376) نیز با پژوهشی تحت عنوان مقایسه کارایی مشاوران از دیدگاه دانش آموزان دختر و پسر مراکز پیش دانشگاهی شهر تهران نتیجه گرفت که بین رشته‌های تحصیلی دانش آموزان و طرز تلقی آنان راجع به فعالیت مشاوران تفاوت وجود دارد.

شرف خانی (1386) در تحقیقی با نام بررسی کیفیت فعالیت مشاوران نظام جدید متوسطه شهرستان خوی نشان داد که بیشترین علت مراجعه دانش آموزان به مشاوران مربوط به مشکلات تحصیلی- شغلی می‌باشد و اکثر افراد ضرورت وجود مشاور را در مدرسه تأکید می‌کنند و نیمی از آنان معتقدند مشاوران در ایجاد انگیزش یادگیری، افزایش اطلاعات تحصیلی- شغلی و پیشرفت تحصیلی افراد تأثیر مطلوبی دارند.

شفقیان (1385) طی پژوهشی با عنوان بررسی نظر دانش آموزان رشته‌های تجربی و انسانی و مشاوران زنجان نسبت به ملاکها ضوابط هدایت تحصیلی مشخص نمود که:1. دانش آموزان اکثرشان از ابزارهای تعیین رشته رضایت دارند و مشاوران با ملاکهای هدایت تحصیلی آشنا بوده و معتقدند تعدادی از ملاکهای هدایت تحصیلی در عمل، زیاد رعایت نمی‌شود با این وجود آنان نیز از ابزار موجود رضایت دارند. (ویسی نژاد 1384؛ 228).

یوسفوند (1385) در پژوهشی تحت عنوان بررسی نظرات دانش آموزان پسر سال دوم ریاضی فیزیک و تجربی و مشاوران متوسطه نسبت به ملاکها و ضوابط هدایت تحصیلی در کرمانشاه نتیجه گرفت که:

1. بین آگاهی دانش آموزان از رشته‌ها و شاخه‌های دوره متوسطه رابطه معنی داری وجود دارد.

2. میان آشنایی دانش آموزان و مشاوران از ملاکهای هدایت تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد.

3. میان ملاکهای هدایت تحصیلی و اجرای آن در عمل، رابطه معنی داری است.

4. ابزارهای مورد استفاده در هدایت تحصیلی کارایی چندانی در هدایت دانش آموزان ندارد.

5. طرح هدایت تحصیلی که مستلزم هزینه و وقت زیادی شده احتیاج به بازنگری و تجدید نظر دارد. (همان منبع 249).

نویدی (1383) طی یک بررسی با عنوان تعیین سهم هر یک از ملاکهای هدایت تحصیلی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نظام جدید آموزش متوسطه که بر روی 3708 نفر دانش آموز تحت پوشش نظام جدید آموزش متوسطه در سراسر کشور نتیجه گرفت که میان عملکرد تحصیلی قبلی دانش آموزان، نمرات درسی سالهای قبل و پیشرفت تحصیلی بعدی آنان همبستگی مثبت و معنا داری وجود دارد به عبارت دیگر مشارکت عملکردهای تحصیلی قبلی دانش آموزان در تبیین پیشرفت تحصیلی بعدی آنان موثر است و بخش عمده‌ای (متوسط 41%) از تغییرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نظام جدید از روی اندازه‌های عملکرد تحصیلی قبلی آنان قابل پیش بینی است اگر چه مقدار همبستگی درباره گروه‌های مختلف یکسان نیست اما ضرایب همبستگی چند متغیری درباره همه گروه‌ها در سطح 01% معنا دارد. برای پیش بینی با تبیین پیشرفت تحصیلی بعدی دانش آموزان، هیچ متغیری به اندازه عملکرد تحصیلی قبلی آنان اهمیت ندارد. وقتی برای پیش بینی پیشرفت از همه اندازه‌های عملکرد تحصیلی قبلی (نمرات ابتدایی، راهنمایی و...) استفاده شود دقت پیش بینی افزایش می‌یابد. همچنین سهم عملکرد تحصیلی خاص دانش آموزان در دوره راهنمایی جهت پیشرفت تحصیلی بعدی آنان معنادار می‌باشد به طوری که عملکرد تحصیلی خاص در دوره راهنمایی به تنهایی می‌تواند بخش قابل توجهی (به طور متوسط 25%) از واریانس پیشرفت تحصیلی را پیش بینی کند. درباره دانش آموزان شاخه نظری 30 الی 40 درصد واریانس پیشرفت تحصیلی بعدی از روی نمرات دروس خاص راهنمایی قابل پیش بینی است این مقدار دانش آموزان فنی و حرفه‌‌ای و کار دانش کمتر از 10% است (ویسی نژاد 1367؛70- 69).

ادریسی (1382) در پژوهشی با عنوان بررسی مشکلات اجرایی موجود در روند هدایت تحصیلی دانش آموزان متوسطه یزد با نمونه‌ای بالغ بر 526 دانش آموز سال سوم و 102 مشاور و دبیر راهنما نشان داد که:

1. 70% مشاوران و دبیران راهنما اظهار نمودند که فرصت کافی برای شناخت خصوصیات شخصیتی دانش آموزان که لازمه هدایت تحصیلی آنان است، ندارند.

2. مشاهده رفتارهای بارز دانش آموزان به منظور بررسی خصوصیات جسمی، عاطفی، اجتماعی آنان به اندازه لازم و کافی صورت نمی‌گیرد.

3. بسیاری از خانواده‌ها نسبت به فرآیند راهنمایی و هدایت تحصیلی آشنایی لازم ندارند.

4. تماس مسئولان هدایت تحصیلی با دانش آموزان منحصر به ساعات محدود درس و کلاس است.

5. پرونده‌های تحصیلی تربیتی از لحاظ محتوا دچار نقص بوده و یا در پاره‌ای از موارد امکان استفاده لازم از آنها وجود ندارد.

6. کم تجربگی و سابقه کم برخی مشاوران دانش آموزان را از دریافت توصیه‌های مفید و سودمند محروم ساخته است. تنها 25/49% از کل دانش آموزان خود را از ادامه تحصیل با مشکل رو به رو نمی‌بینند و افراد ریاضی فیزیک و کاردانش بیش از سایرین مشکل دارند (همان منبع).

بخشی (1384) در پژوهشی تحت عنوان بررسی میزان موقعیت مشاوران مدارس در کمک به حل مشکلات دانش آموزان نشان داد که در مجموع به نظر دانش آموزان، مشاوران مدارس در کمک به حل مشکلات تحصیلی- شغلی و خانوادگی و شخصی دانش آموزان موفق هستند اما والدین دانش آموزان و مدیران مدرسه معتقدند که مشاوران فقط در زمینه کمک به حل مشکلات تحصیلی- شغلی و شخصی موفقند و آنان را در حل مشکلات خانوادگی ناموفق می‌دانند.

چترزرین (1383) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان کارایی مشاوران در بهبود ادراک دانش آموزان از لیاقت از خود در شهرستان ایلام نتیجه گرفت که مشاور دبیرستان در بهبود ادراک دانش آموزان از لیاقت از خود موثر بوده و همچنین بین ادراک دانش آموزان از خود با پیشرفت تحصیلی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

قادر مقدم (1385) در رساله خود تحت عنوان بررسی میزان تأثیر آموزش درس برنامه‌ریزی تحصیلی- شغلی در فرایند انتخاب رشته دانش آموزان پسر مدارس متوسطه ناحیه 1 یزد بیان کرد که آموزش درس برنامه‌ریزی تحصیلی- شغلی موجب تمایز قابل توجهی در خود پنداره رضایت تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان تحت تعلیم این درس نشده و لذا تأثیری در این عوامل ندارد.

گلی شیراز (1383) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه تحصیلات والدین با انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان پسر اهواز به این نتیجه رسید که بین تحصیلات والدین و نوع رشته انتخابی فرزندان رابطه معنی داری موجود می‌باشند.

راست کار (1385) در مقایسه عوامل موثر در هدایت تحصیلی دانش آموزان دختر نظام جدید آموزش متوسطه از دیدگاه مشاوران و دانش آموزان شهر تبریز اشاره کرد که عوامل اجتماعی و نیز عوامل اطلاع رسانی از دید دانش آموزان تأثیر زیادی در هدایت تحصیلی دارند. دانش آموزان رشته‌های نظری معتقدند که ویژگی‌های روانی و توانایی‌های شخصی تأثیری ندارند همه دانش آموزان توصیه مشاوران در هدایت تحصیلی کم تأثیر است در حالی که مشاوران کار خود را در هدایت تحصیلی موثر می‌دانند.

 مشاوره در دبیرستان‌ها با عملکرد آنان در حل مشکلات دانش آموزان نتیجه گرفت که بین نوع مدرک تحصیلی با عملکرد مشاوران در حل مشکلات خانوادگی رابطه وجود دارد ولی بین نوع مدرک با عملکرد آنان در حل مشکلات تحصیلی شغلی و شخصی دانش آموزان رابطه معنی داری نیست.

عاشقی (1386) در تحقیقی تحت عنوان بررسی نظرات مشاوران مدارس نسبت به کارایی ملاکهای هدایت تحصیلی و شغلی در انتخاب رشته‌های تحصیلی در منطقه دماوند، فیروز کوه و رودهن مشخص نمود از آنچه که هدایت تحصیلی در دوره متوسطه بسیار حساس و سرنوشت ساز است لذا در رشته‌های نظام جدید متوسطه براساس ملاکها، معیار، آزمون، پرسش نامه، پرونده تحصیلی نمرات (راهنمایی- اول متوسطه) و توصیه مشاوران براساس بررسی‌های مشاوران صورت می‌گیرد. عوامل متعدد دیگری که در هدایت تحصیلی فراگیران موثرند عبارتند از: عوامل محیط (مبانی فرهنگی، طبقه اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، اقتصادی، تغییرات صنعتی، دین، جنس، تجربیات شخصی، والدین، اقوام و دوستان مدرسه) عوامل شخصیتی، خصوصیات اجتماعی، عاطفی و بدنی، و... لذا مشاوران باید درباره تک تک عوامل اطلاعات دقیقی داشته باشند.

حاجی (1389) مطابق پژوهشی که بر روی 600 نفر از دانش آموزان شهر تهران انجام داد به این نتیجه رسید که از نظر دختران و پسران، مشاورین مدرسه در زمینه آشنا نمودن آنها با نظام سالی واحدی، آیین نامه‌ها و مقررات تحصیلی کمتر از سطح متوسط موفق بوده‌اند و با در نظر گرفتن میانگین نظر افراد درباره عملکرد مشاوران در زمینه ضوابط ورود به شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی در سطح متوسط عمل کرده‌اند. همچنین نظر آنان در مورد عملکرد مشاوران در راستای تدوین و تنظیم بروشور و تهیه موارد لازم برای اطلاعات تحصیلی و در نهایت عملکرد کلی مشاوران در هدایت تحصیلی دانش آموزان در مدارس پایین ‌تر از حد متوسط بوده است.

کراری (1383) دررساله خود درباره سنجش گرایش دانش آموزان دوره متوسطه به رشته‌های کاردانش و فنی حرفه‌ای در تبریز نتیجه‌گیری نمود که اگرچه شرایط خانوادگی با نگرش افراد نسبت به این دو رشته رابطه معنی دار نیست لیکن تأثیر گذار می‌باشد و افراد به دنبال رشته‌های هستند که بتوانند ادامه تحصیل داده و یا از ارزش بالایی در جامعه برخوردار باشند و آگاهی و اطلاعات افراد از رشته‌های در انتخاب آنان موثر است همچنین مسئله استخدام و شغل در این مقوله دارای اهمیت است.

هاشمی (1383) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه هوش هشتگانه گاردنر با انتخاب رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نتیجه گرفت که دانش آموزان گروه ریاضی در مقایسه با دانش آموزان گروه های هنر علوم انسانی از هوش منطق –ریاضی بالاتری برخوردارند. اما از این جهت با دانش آموزان گروه علوم تجربی تفاوتی ندارند همچنین دانش آموزان گروه هنر در قیاس با سایر گروها از هوش دیداری- فضایی بالاتری برخوردارند و از سوی دیگر از لحاظ هوش کلامی- زبانی گروه ریاضی نسبت به هنر برتری دارد و نهایتاً این که مقایسه سایر مولفه‌ها تفاوت معنی‌داری را بین گروهها نشان نمی‌دهد.

در تحقیقی که توسط رحیمی (1383) در مراکز پیش دانشگاهی منطقه 12 تهران انجام گرفت دلایل عدم اعتماد و عدم مراجعه دانش آموزان به مشاور تحت عوامل زیر بیان گردید: عدم اعتماد و راز داری مشاوران و قبول این که شاید مسائل دانش آموزان به والدین و دیگران اطلاع داده شود؛ نداشتن مفهوم صحیح مشاوره توسط دانش آموزان؛ قبول نداشتن مشاور،؛ خجالت کشیدن از گفتن مشکل؛ جا نیافتادن این فرهنگ و عدم رواج آن در جامعه؛ نشناختن شخصیت مشاور؛ ترس داشتن از مشاوره و مشاور؛ رودربایستی و شرم؛ نداشتن طرز فکر صحیح مشاوران،؛ ربط نداشتن مسئله به مشاور؛ عدم درک مشاوران؛ دانش آموزان نمی‌خواهند دیگران مشکل آنان را بفهمند؛ نداشتن سن و سال هماهنگ با مشاور؛ مشاور را دوست نمی‌دانند او غریبه است و نباید نقاط ضعفشان را بداند؛ کم رو بودن دانش آموزان؛ نداشتن اعتماد به خود؛ مشاور را از خود نمی‌دانند (محرم راز نیست)؛ مسئله شخصی است؛ عدم بلیغات مشاوره و عدم ارتباط مشاوران با دانش آموزان؛ بی‌توجهی و جدی نگرفتن مشکلات دانش آموزان؛ فایده نداشتن مشاوره (مشکلات حل نمی‌شود)؛ دانش آموزان از کودکی یاد نگرفته‌اند؛ دانش آموزان خود را با مشاور در یک طبقه نمی‌بینند؛ ناتوان بودن مشاور در حل برخی مشکلات به ویژه مالی؛ مشاوره مانند مدیر با معاون می‌باشد و با آنها دوست است تا بچه‌ها؛ مشاوران اخلاق خوبی ندارند، مشاوران اطلاعات خوبی ندارند؛ دانش آموزان مشاور را کم می‌بینند؛ مشاور در جامعه کم می‌باشد؛ مشاور به خوبی پاسخ دانش آموزان را نمی‌دهد و یا آنها را مسخره می‌کند؛ دانش آموزان خود را قادر به حل مشکلات می‌بینند (غرور فردی)؛ اگر دیگران بفهمند نزد مشاور رفته‌اند مسخره‌شان می‌کنند؛ نمی‌خواهند تصویر بدی نزد مشاور داشته باشند. (عزتی 1383)

در یک تحقیق بامقیاس وسیع در مورد استفاده دانشگاههای آمریکا از آزمون‌ها دریافتند که ارائه خدمات مشاوره‌ای به دانشجویانی که کمتر از سطح انتظار کار می‌کنند (یعنی کارهایشان با سطح توانایی‌های هوشی اندازه‌گیری شده هماهنگی ندارد) به پیشرفت قابل ملاحظه در کارهای تحصیلی آنان می‌انجامد و همچنین دانشجویان اغلب برای انتخاب رشته‌های تخصصی خود از معلمان و مدیران دانشگاه درخواست می‌کنند تا آنها را راهنمایی کنند (آینگ، ترجمه نجفی زند- شریفی. 1382؛ 132).

کمز و همکاران از مجموعه مطالعاتشان چنین نتیجه گرفتند که تفاوت عمده بین مشاوران موثر و غیر موثر در عقاید و خصایص خود آنان است. لذا استنباط اینان عبارت است از این که تکنیک عمده مشاوره، خود به منزله ابزار است بدین معنی که شخص مامور تسهیل کننده اصلی رشد مثبت در مراجعان است. (حسینی 1381؛ 48)

براساس تحقیقات والز و بنجامین برای سالها مشاوران مدارس وقت خود را صرف سازگار کردن دانش آموزان با والدین، معلمان و نظام مدارس کرده‌اند گرچه این رویکرد مشاوره‌ای در مدارس مفید بوده است ولی در موقعیت بسیار دارای کاستی می‌باشد و مشاوران همیشه نمی‌توانند از مراجعان انتظار داشته باشند تا خود را با موقعیات ناسالم سازگار کنند. مشاوران باید به عنوان مشورت کنندگان تربیت شوند که بتوانند به عنوان تغییر دهنده ایفای نقش کنند. محیط‌های مدارس باید به واسطه تغییراتی در کل مدرسه و به طور اخص در برنامه‌های خود باشند. اغلب اوقات مشاوران برای ایجاد تقلید از دورن نظام، خودکار عمل می‌کنند ولی این عمل موانع نداشتن قدرت لازم در مشاور است و مانع دیگر آشنایی نزدیک مشاور با برنامه‌های موجود می‌باشدکه تغییر را در این تصویر مشکل می‌سازد (حسینی 1381).

گیبسون [[44]](#footnote-44) (1998) براساس تحقیقی درباره نظر معلمان نسبت به برنامه‌های مشاوره دبیرستان می‌نویسد که معملمان مهم‌ترین فعالیتهای مشاوره را چنین بر می‌شمارند: مشاوره فردی- ارائه خدمات و اطلاعات مربوط به طرح‌ریزی برنامه تحصیلی دانش آموزان- اجرا و تعبیر و تفسیر نتایج آزمون‌های استاندارد و در نهایت راهنمایی و جایگزینی تحصیلات دانشگاهی.

هاید[[45]](#footnote-45) نظرات برخی از مشاوران ایالت نیویورک را درباره وظایف مهم آنان تدوین کرده که در این رابطه مشاوره‌های فردی با دانش آموزان در مسائل، کنفرانس با والدین و اولیا مدرسه به همراه اطلاعات شغلی و راهنمایی گروهی مهم‌تر از سایر فعالیتهای آنان از قبیل، آموزشهای تستی، برنامه‌ریزی تکمیل پرونده تحصیلی، سرپرستی فعالیت‌های دانش آموزان، تنظیم کارنامه، مکاتبات و گزارش‌های اداری و ... می‌باشد (اردبیلی 1386؛ 34).

در تحقیقی که توسط جری‌هورن (1996)تحت عنوان بررسی وضعیت فارغ التحصیلان مدارس کوچک روستایی در هفت ایالت آمریکا صورت گرفت مشخص شد که اغلب دانش آموزان از فعالیتهایی که به منظور هدایت آنان جهت انتخاب شغل و رشته تحصیلی و آمادگی ورود به اجتماع صورت گرفته رضایت داشته‌اند (نقل از کوچری 1389).

کراهن ولو[[46]](#footnote-46)2001معتقدند که مشاور حرفه‌ای در مدارس متوسطه در بعضی مواقع تأثیر محدودی داشته است و این در رضایت دانش آموزان. والدین و مشاوران منعکس شده است. اکثر والدین اعتقاد دارند که فرزندانشان آگاهی و مهارت لازم را در طرح‌ریزی‌های تحصیلی- شغلی ندارند و برعکس اغلب دانش آموزان اعتقاد دارند که آنها این آگاهی را دارند. اما در یک پژوهش روی فارغ التحصیلان دبیرستانی 33% آنان بعد از دو سال احساس کردند که تحقیق روی مشاغل باید از دوره ابتدایی شروع شود و در دبیرستان به آن تأکید شود این عدم تأثیرات مشاوره حرفه‌ای نباید باعث شگفتی شود و به عنوان حربه‌ای برعلیه مشاورانی استفاده شود که هر کدام با 500 دانش آموز در ارتباط‌ند و کمبود وقت از مشکلات عمده آنان است. از طرفی دانش آموزان نیز فاقد وقت و آگاهی برای راهنمایی جهت برنامه ریزی‌های حرفه‌ایشان می‌باشند و اغلب برای رسیدگی به آن تا سال آخر دبیرستان به تأخیر می‌اندازند و این درست زمانی است که تصمیماتشان قابل تغییر نیست. (گالکسون 1983)[[47]](#footnote-47)

در پژوهشی که در سال 1983 توسط فریدیچر، راث و نث در مورد پیشرفت شغلی 28000 دانش آموز انجام گرفت پژوهشگران پی بردند که حدود 75% آنان در زمینه برنامه‌ریزی تحصیلی شغلی احتیاج به کمک داشتندو آگاهی اندک دانش آموزان در مورد گزینه‌های شغلی و فرآیند برنامه‌ریزی شغلی نشان می‌دهد که وقت و انرژی زیادی به صورت تردید و سردرگمی به هدر می‌رود و این امر به صورت از دست دادن مشاغل، کاهش تولید و بیگانگی فرد، تأثیر مستقیمی بر اجتماع به جا می‌گذارد (جورج و کریستیانی، ترجمه فلاحی- حاجی لو. 1389).

### منابع

منابع فارسي

شورای عالی آموزش و پرورش (1388)، مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش ، چاپ چهارم ، تهران : انتشارات مدرسه .

ـ آيسنگ، هانس ج(. 1385 ).کاربردهاي بجا و نابجاي، ترجمه نجفي زند، جعفر و شريفي، حسن پاشا. چاپ اول ،تهران:ناشر مترجمان.

ـ احمدي، سيد احمد( 1383). مباني و اصول راهنمايي و مشاوره، چاپ سوم، تهران:انتشارات سمت.

ـ اردبيلي، يوسف( 1376 ) .اصول و فنون راهنمايي و مشاوره در آموزش و پرورش، تهران: انتشارات بعثت.

ـ بست، جان دبليو( 1381). روشهاي تحقيق در علوم تربيتي و رفتاري، ترجمه شريفي،‌ حسن پاشا و طالقاني، نرگس؛ چاپ نهم، تهران: انتشارات رشد.

ـ بهرامي، هادي( 1389).آزمون‌هاي رواني (مباني نظري و فنون کاربردي)، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبايي.

ـ ثنايي، باقر(1387 ). روان درماني و مشاوره گروهي، چاپ چهارم، تهران: انتشارات چهر.

ـ جورج و کريستياني( 1388). مشاوره (نظريه‌ها و کاربرد) ترجمه فلاحي ،رضا و حاجيلو، محسن؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات رشد.

ـ حسين نژاد محمد( 1386 ) ، مفاهيم و کاربردها در مشاوره با کودکان، چاپ سوم،تهران : انتشارات سپند هنر.

ـ حسيني ،‌سيدمهدي( 1387). اصول و روشهاي راهنمايي و مشاوره، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمي دانشگاه آزاد اسلامي ...

ـ حسيني ، سيد مهدي( 1389 ). راهنماي مشاوره تحصيلي، تهران: انتشارات رشد.

ـ حسيني ،سيد مهدي( 1391 ) . راهنماي مشاوره تحصيلي و تاريخچه راهنمايي و مشاوره در ايران، تهران: انتشارات رشد.

ـ خداياري فرد. محمد) 1388 ) .مشاوره (مباني روانشناختي)، چاپ اول ، تهران : نشر يسطرون.

ـ خورشيدي، عباس و قريشي، حميد( 1389) . راهنماي تدوين رساله و پايان نامه تحصيلي از نظر تا عمل ، تهران: نشر يسطرون.

ـ سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازي، الهه( 1387) . روش‌هاي تحقيق در علوم رفتاري ، تهران: انتشارات آگاه.

ـ سيف، علي اکبر( 1389 ) . اندازه گيري و ارزشيابي پيشرفت تحصيلي، تهران: انتشارات رشد.

ـ شرتزر و استون.( 1386 )«اصول راهنمايي» ترجمه شريعتمداري، علي، اصفهان :چاپ مشعل.

ـ شفيع آبادي، عبدالله(1389) . مقدمات راهنمايي و مشاوره ، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه پيام نور.

ـ شفيع آبادي، عبدالله( 1387) . آشنايي با برنامه ريزي تحصيلي و شغلي، تهران : انتشارات آموزش و پرورش.

ـ شفيع آبادي، عبدالله( 1388) . فنون و روش‌هاي مشاوره ، چاپ دوازدهم ، تهران : نشر ترمه با همکاري انتشارات چهر..

ـ شفيع آبادي، عبدالله( 1389 ) .راهنمايي و مشاوره تحصيلي و شغلی ، چاپ چهارم، تهران : انتشارات سمت.

ـ شفيع آبادي، عبدالله ( 1386) . فنون و روشهاي مشاوره،، تهران : چاپ رامين.

ـ غلامي، يارمحمد( 1389) . نخستين همايش فراخوان مقاله در زمينه مشاوره ، گروه آموزشي کارشناسي مشاوره معاونت پرورشي اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران.

ـ فولادي، عزت الله(1381 ) . مشاوره همتايان در دبيرستان ، فصلنامه پيام مشاور. سال اول شماره 2.تهران : انتشارات تربيت.

ـ فيروزي، عبدالوهاب( 1386) . نخستين همايش فراخوان مقاله در زمينه مشاوره ، گروه آموزشي کارشناسي مشاوره معاونت پرورشي اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران.

ـ کينگ، گيل( 1379 ) .مهارت‌هاي مشاوره براي معلمان ، ترجمه، قورچيان، نادرقلي و جمالي، اختر؛ چاپ اول ، تهران : انتشارات فراشناختي انديشه.

ـ گيبسون ، رابرت و ميشل ماريان(1390) . مباني مشاوره و راهنمايي، ترجمه ،ثنايي ،باقر ، چاپ ششم ؛ تهران: انتشارات بعثت.

ـ لندرث، گار(1387 ) . بازي درماني «ديناميسم مشاوره با کودکان»، ترجمه، آرين، خديجه؛ تهران: انتشارات اطلاعات.

ـ نوابي نژاد، شکوه(1387) . راهنمايي و مشاوره گروهي ، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهي تربيت معلم.

ـ نيکزاد، محمود و مهرآرا، علي اکبر( 1388). زمينه راهنمايي و مشاوره در تعليم و تربيت ، چاپ پنجم ، تهران: انتشارات کيهان.

ـ هنري، ماسن و پاوول و ديگران(1384). رشد و شخصيت کودک ، ترجمه ياسائي، مهشيد؛ چاپ هفتم.

تهرا ن: نشرمرکز.

ـ وست، ويليام ( 1385) .روان درماني و معنويت ، ترجمه شهيدي، شهريار و شيرافکن، سلطانعلي. چاپ اول ، تهرا ن: انتشارات رشد.

ـ ويسي نژاد( 1386 ) . چکيده مقالات، تهرا ن: انتشارات پژوهشکده تعليم و تربيت.

ـ الماسي، محمد (1385). بررسي رابطه اعتماد به نفس و انتخاب رشته تحصيلي بين دختران و پسران سال دوم نظام جديد، پايان نامه کارشناسي ارشد، دانشگاه علامه طباطبايي.

ـ بشيري وثيق، احمد (1386) بررسي چگونگي تأثير شاخص‌ها هدايت تحصيلي در انتخاب رشته دانش آموزان همدان ، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.

ـ چتر زرين، برزو (1387). بررسي ميزان کارايي مشاوران دربهبود ادراک دانش اموزان از لياقت از خود در شهرستان ايلام، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه علامه طباطبايي.

ـ حاجي علي اکبر، محبوبه (1389) بررسي ميزان اثر سنجش مشاوران در حل مسائل دانش آموزان شهر تهران، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مرکز.

ـ خسروي راد، محمد جواد (1387) بررسي ارزشيابي ملاک‌هاي هدايت تحصيلي نظام جديد، آموزش متوسطه دانش آموزان دبيرستانهاي نيشابور، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.

ـ راستکار، بيتا (1388) مقايسه عوامل موثر در هدايت تحصيلي دانش آموزان دختر نظام جديد آموزش متوسطه از ديدگاه مشاوران و دانش آموزان شهر تبريز، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.

ـ شرف خاني، کريم (1386) بررسي کيفيت فعاليت مشاوران نظام جديد متوسط شهرستان خوي ، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.

ـ عاشقي، منصور (1387) بررسي نظرات مشاوران مدارس نسبت به کارايي ملاک‌هاي هدايت تحصيلي و شغلي در انتخاب رشته‌هاي تحصيلي در منطقه دماوند، فيروزکوه و رودهن، پايان نامه کارشناسي ارشد ،دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مرکز.

ـ عزتي،‌ حسن (1385) بررسي ميزان آشنايي مشاوران دبيرستان‌هاي نظام جديد ايلام با فنون مشاوره و ارتباط آن با ميزان موفقيت آنان در کمک به حل مشکلات دانش آموزان ، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.

ـ فرشاد، مجيد (1384)، بررسي تأثير برنامه راهنمايي و مشاوره در انتخاب رشته‌هاي تحصيلي.، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه تهران.

ـ فولادي، عزت الله (1386)، مقايسه کارايي مشاوران از ديدگاه دانش آموزان دختر و پسر مراکز پيش دانشگاهي شهر تهران، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.

ـ قادري مقدم، محمد علي (1387) بررسي ميزان تأثير آموزش درس برنامه ريزي تحصيلي ـ شغلي در فرآيند انتخاب رشته دانش آموزان پسر مدارس متوسطه ناحيه يک يزد ، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه تربيت معلم.

ـ کراري، جواد (1389) سنجش گرايش دانش آموزان دوره متوسطه به رشته‌هاي کار دانش و فني حرفه‌اي تبريز، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.

ـ گلي شيرازي،‌فيروز (1387) بررسي رابطه تحصيلات والدين با انتخاب رشته تحصيلي دانش آموزان پسر اهواز ، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.

ـ مصلح، فرهاد. (1389) بررسي رابطه بين نوع مدرک تحصيلي شاغلين مشاوره در دبيرستان‌ها با عملکرد آنان در حل مشکلات دانش آموزان، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه تربيت معلم.

ـ مظفري، فهيمه (1386). بررسي فعاليت مشاوران مدارس نظام جديد آموزش متوسطه شهر تهران ، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مرکزي.

ـ موسوي، فهيمه (1387).بررسی عملکرد مشاوران درحل مشکلات دانش آموزان دختر در شهر تهران، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه تربيت مدرس.

ـ هاشمي، ويدا (1390) بررسي رابطه هوش هشتگا نه گاردنر با انتخاب رشته تحصيلي و پيشرفت تحصيلي دانش آموزان، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه علامه طباطبايي.

ـ يزدي، داوودي (1388) بررسي تخصص مشاوران با ميزان رضايت دانش آموزان از عملکرد آنان در شهرستان ورامين ، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مرکز.

ـ يوسف پور، علي اصغر(1387) . بررسي نگرش والدين دانش آموزان پسر مدارس نظام جديد در مورد تأثير راهنمايي و مشاوره تحصيلي در انتخاب رشته تحصيلي آنان در شهرستان فريمان، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه شهيد بهشتي.

ـ يوسفوند، محمد (1389) بررسي نظرات دانش آموزان پسر سال دوم رياضي و فيزيک و تجربي و مشاوران متوسطه نسبت به ملاک‌ها و ضوابط هدايت تحصيلي در کرمانشاه، پايان نامه کارشناسي ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامي واحد ساري.

1. . Hoirace Mann [↑](#footnote-ref-1)
2. .Parsonse [↑](#footnote-ref-2)
3. .Racoul&Rattni [↑](#footnote-ref-3)
4. . GessiDavise [↑](#footnote-ref-4)
5. .Anna Y. Reed [↑](#footnote-ref-5)
6. . Eli W. Weaver [↑](#footnote-ref-6)
7. . David S. Hill [↑](#footnote-ref-7)
8. . William Barnham [↑](#footnote-ref-8)
9. .Faust [↑](#footnote-ref-9)
10. . Carl R. Rogers [↑](#footnote-ref-10)
11. . Feingold [↑](#footnote-ref-11)
12. [↑](#footnote-ref-12)
13. . Donovan [↑](#footnote-ref-13)
14. . Gastoov [↑](#footnote-ref-14)
15. . Shmeet [↑](#footnote-ref-15)
16. .Belkhuam [↑](#footnote-ref-16)
17. . Cattel [↑](#footnote-ref-17)
18. . Stafler and Grant [↑](#footnote-ref-18)
19. . Healy [↑](#footnote-ref-19)
20. . بر گرفته از نخستین همایش فراخوان مقاله در زمینه مشاوره [↑](#footnote-ref-20)
21. . Howard [↑](#footnote-ref-21)
22. .Keppers [↑](#footnote-ref-22)
23. . شیوه نامه هدایت تحصیلی بر گرفته از کتاب مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش می‌باشد. [↑](#footnote-ref-23)
24. .شرح آن در ماده 110 موجود می‌باشد [↑](#footnote-ref-24)
25. . Rodolph& Thompson [↑](#footnote-ref-25)
26. . «روان تحلیل گری» یا «پویای روانی». [↑](#footnote-ref-26)
27. . Inferiority feeling [↑](#footnote-ref-27)
28. . Cory [↑](#footnote-ref-28)
29. . John D. Krumbotlz [↑](#footnote-ref-29)
30. .Carl Thoreson [↑](#footnote-ref-30)
31. . Callis [↑](#footnote-ref-31)
32. .Horan [↑](#footnote-ref-32)
33. .Albert Ellis [↑](#footnote-ref-33)
34. .William Glasser [↑](#footnote-ref-34)
35. . Transactional Snalysis [↑](#footnote-ref-35)
36. . Eric Bern [↑](#footnote-ref-36)
37. .Perls [↑](#footnote-ref-37)
38. . Laura [↑](#footnote-ref-38)
39. .Hansen, Stevic,& Warner [↑](#footnote-ref-39)
40. . Parssons [↑](#footnote-ref-40)
41. Brommer&Shostrom [↑](#footnote-ref-41)
42. . Luborsky, singer &Luborsky [↑](#footnote-ref-42)
43. .Norcross & Newman [↑](#footnote-ref-43)
44. .Gibson [↑](#footnote-ref-44)
45. .Haid [↑](#footnote-ref-45)
46. .Krahn& Lowe [↑](#footnote-ref-46)
47. .Gullecson [↑](#footnote-ref-47)